

وزیر امور خارجه

ما تسلیم تبلیغات عناصر وابسته به دو ابر قدرت نخواهیم شد

ما با کنفرانسی که سیاست کشورهای اسلامی را بر علیه تجاوز روسیه هماهنگ می‌کند موافقیم. صادق قطب‌زاده سرپرست وزارت امور خارجه ایران طی یک گفتگوی اختصاصی با خبرگزاری پارس در مورد کنفرانس کشورهای اسلامی برای محکوم کردن تجاوز نظامی روسیه در افغانستان و تصمیم ایران گفت: "ما در اصل با کنفرانسی که بتواند سیاست کشورهای اسلامی را در برابر سیاست تجاوزکارانه

سوروی به کشور دوست و همسایه افغانستان هماهنگ کند موافق هستیم. صادق قطب‌زاده در مورد بعضی از کشورهای اسلامی که بعطت تطابق روز برگزاری کنفرانس با روز امضاء قرارداد سنگین کمپا دیوید عدم شرکت خود را اعلام کرده‌اند افزود: "اگر اشکال فقط بر سر تاریخ آغاز کنفرانس است، بهتر است که دولت همسایه ما پاکستان حداقل یک هفته کنفرانس را بتعویق بقیه در صفحه ۵

چرا شوروی قرارداد ۱۹۲۱ را لغو نمیداند؟



چند روز پیش خبرگزاری رویتر از مسکو گزارش داد که یکی از سیاستمداران شوروی (که حاضر به افشای نام خود نشد) اعلام کرده‌است که شوروی قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی را که بندهای ۵ و ۶ آن چندی پیش از طرف شورای انقلاب لغو شد، ملغی شده نمیداند و از نظر شوروی این قرارداد کاملاً به قدرت خود باقی است. این موضع‌گیری یکی از مقامات شوروی نشانه دیگری از نقشه‌های توسعه طلبانه امپریالیسم روسیه و نیات پلید آن علیه استقلال کشور ماست. چرا؟

بند ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ که از طرف ایران لغو شد، به شوروی اجازه میداد هر زمان که بخواهد میتواند به بهانه آن که ایران پایگاهی برای فعالیت‌های ضد شوروی شده و امنیت شوروی را به خطر انداخته یا فعالیت‌های ضد شوروی در ایران انجام می‌گیرد، به ایران لشکر کشی کرده و میهن ما را اشغال کند.

سرباز روسی در افغانستان
قضایات این مسئله هم که آیا واقعاً چنین وضعی موجود است یا نه با خود شوروی بود و بدین وسیله مواد ۵ و ۶ این قرارداد وسیله "قانونی" در دست شوروی بود که کشور ما را تهدید کند و زیر فشار بگذارد.

این قرارداد همچنین به شوروی اجازه میداد که از دولت ما بخواهد تا جلوی هر فعالیت استقلال طلبانه‌ای را در کشور ما، تحت عنوان اینکه به بقیه در صفحه ۶

جنگ درونی را متوقف کنید!

در روزهای اخیر تشدید تضادهای درونی جناح‌های حاکم به درجات خطرناکی رسیده و نگرانی مردم و نینروهای استقلال طلب‌را برانگیخته است. با زار برچسب زنی و سندر کردن علیه یکدیگر داغ است و روزی نیست که نیروهای انقلابی و استقلال طلب علیه یکدیگر موضع نگیرند.

بنا بر این شرایط بوجود آمده که کشف حقیقت برای مردم مشکل شده و از سوی دیگر ناراضی از این اوضاع در میان آنها در حال رشد است، امری که

بهبیح وجه بسودانقلاب و استقلال میهن نیست. تمام این تصادمات در زمانی انجام میگردد که کشور بقیه در صفحه ۵

افغانستان امروز؛ نتیجه مدارا جوئی دیروز



تجاوز نظامی شوروی به خاک افغانستان و سطنه همه جانبه امپریالیسم روس بر ملت ستمدیده این کشور این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا امکان جلوگیری از رخنه و تسلط کامل ابر قدرت روس بر این سرزمین وجود نداشت؟ روشن است که اولین و عمده‌ترین دلیل این تهاجم، سلطه جوئی و توسعه طلبی سوسیال-امپریالیسم برای کنترل کشورها و کسب سرکردگی در جهان می‌باشد. ولی اگر زمینه داخلی در افغانستان فراهم نبود، اگر سیاست استقلال از دو ابر قدرت و اتکاء به نیروی خود محور اصلی سیاست‌های داخلی و خارجی در افغانستان قرار می‌گرفت و اگر از همان ابتدا جلوی مزدوران امپریالیسم روسیه گرفته میشد، مسلماً "سرنوشت افغانستان چیز دیگری بود.

خود را در سوگ هم میهنان شریک میدانیم

فاجعه دردناک سقوط هواپیمای مسافربری هواپیمائی ملی ایران را که به درگذشت ۱۳۰ تن از هموطنان ما منتهی شده است به مردم ایران و خانواده‌های داغدار آنها و به رهبری انقلاب تسلیم گفته و خود را در غم عموم مردم میهن شریک میدانیم.

ابر قدرت‌ها قدر قدرت نیستند

مشکلات آمریکا در تحریم ایران. مشکلات شوروی در افغانستان. گرچه آمریکا و روسیه علیه ملل

صد سال مبارزه برای استقلال

در صفحه ۶

از کارگران درس استقلال خواهی آموختم

خوانین فارس را خلع سلاح کنید

گشتی های فاشیست باندکیانوری

مردوران روسیه در ایران بازم به منطق یورش فاشیستی اربابان خود متوسل شده اند. اطلاع یافتیم که طرفداران " حزب رنجبران ایران " در حالیکه پوستره های افشاء گرانه جنایات روسیه در افغانستان و اعلامیه های دیگر را به دیوار می چسباندند مورد حمله سازمان یافته شده گشتی های باند کیانوری قرار گرفته و مضرور شده اند. مضرورین، واقعه را چنین تعریف میکنند: " ساعت ۱۰/۵ شب، ۳۰ دی ماه، وقتی که ما در خیابان حافظ - کریم خان پوسترمحتوی افشای جنایات روسیه در افغانستان وهمچنین اعلامیه " حزب رنجبران ایران " مینسی بر تائید آقای بنی صدر بعنوان ریاست جمهوری و تبلیغ روزنامه رنجبر را می بقیه دو صفحه ۴

اخراج کارشناسان شوروی از شهرداری تهران - خبرگزاری پارس (۳ دی) - شهرداری تهران امروز اعلام کرد که به خدمت ۴ تن از کارشناسان شوروی که اداره امور سردخانه بزرگ شهرداری تهران را بعهده داشتند، پایان داده شده است و اکنون اداره کلیه امور فنی و تاسیسات سردخانه توسط مهندسان و تکنیسینها و کارگران فنی ایرانی سازمان سردخانه و کشتارگاه اداره میشود. کارشناسان شوروی از بیدو تاسیس سردخانه بزرگ شهرداری تهران که یکی از بزرگترین سردخانه های کشور و با ظرفیت ده هزار تن می باشد امور فنی این سازمان را برعهده داشتند.



سپاهد جوان افغانی در ایالت کنیا

اطلاعیه طرفداران گروه انقلابی خلقهای افغانستان در اصفهان

در این جلسه شخصی از افغانستان که خود را نماینده " جنبش کمونیستی " و مشخصاً " سازمان اخگر " سازمان آزادی بخش مردم افغانستان (ساما) و " سازمان رهایی بخش خلق افغانستان (سرخا) " معرفی و بیاناتی ایراد نمود. بقیه در صفحه ۵

روز چهارشنبه ۲۶/۱۰/۵۸ ساعت ۵ بعد از ظهر جلسه سخنرانی در دانشگاه تهران از طرف دانشجویان هوا دار سازمان پیکار تحت عنوان افشاء اتحاد چین، امریکا و فئودالیهای مرتجع و " دفاع " از جنبش افغانستان بر گزار گردیده بود.

۲۰۰۰ تلفات روسیه

بنا به گزارش روزنامه هرالد تریبون (۳۰ دی ماه) رقم تلفات ارتش شوروی در افغانستان تاکنون بیش از حدود ۲۰۰۰ تن تخمین زده میشود. همچنین خبرنگاران خارجی گزارش میدهند که بیش از ۵۰۰۰ کارمند روسی از مسکو برای کنترل ادارات و امور دولتی افغانستان به کابل اعزام شده اند.

رهبری سازمان چریکها

سر بازان روسی را در کابل استقبال میکنند

اما پاسدار کرمانشاهی را در سنندج تحمل نمیکنند!

امیرالیسم روسیه با هم گذاشته اند و نظر بقیه در صفحه ۲

نظر به مسابقه خوشرقصی که حزب توده و باند فدائیان در برابر سوسیال

" نشریه گرامی رنجبر با سلام و تجدید مراتب ارادت،



نه چیزی نیست، داره مردم رو به منافع تاریخی شون آشنا میکنه!

بابایه کاری بکن

ایران

بویزه در اروپا با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد، چه نفرستادن کالا به ایران از طرف شرکتهای غیر آمریکائی در اروپا، دعوای حقوقی زیادی را به گردن آنها خواهد انداخت. زاین نیز زیر فشار آمریکا برای تحریم اقتصادی ایران مقاومت می کند و آلمان غربی نیز اعلام کرده است که در محاصره اقتصادی ایران شرکت نخواهد کرد. امر غیر عادلانه پشتیبان ندارد و اینرا میشود بخوبی در تلاش آمریکا برای محاصره اقتصادی ایران دید. فشار و تهدید یک کشور جهان سوم از سوی یک ابر قدرت امری غیر عادلانه است و مردم جهان از آن حمایت نمی کنند و حاضر نیستند شریک آمریکا در این امر شوند. بقیه در صفحه ۳

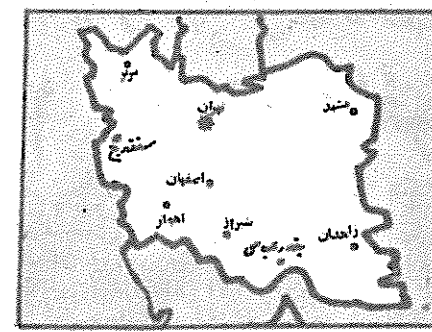
کرچه امریکا و روسیه علیه ملل جهان سوم رزتهای تهدید آمیز میگیرند، توپ و تانک رو می کنند و به تجاوز و کشتار دست می زنند، اما مردم دنیا در عمل می بینند که آنها بیره های کاغذی هستند. خیر هست که امپریالیسم آمریکا در اجرای برنامه ی تحریم و محاصره ی اقتصادی ایران با مشکلات فراوانی روبرو شده است. در میان هیات حاکمه آمریکا در مورد " عاقلانه " بودن محاصره اقتصادی ایران، بویزه در رابطه با اوضاع افغانستان بحث شدیدی در جریان است و روزنامه های سرمایه داری بزرگ انحصاری آمریکا چون " نیویورک تایمز " و " واشنگتن پست " کارتر را نصیحت می کنند که در اجرای برنامه محاصره اقتصادی ایران تجدیدنظر کند. از طرف دیگر مقامات دیگر

حساب جهان سوم از آمریکا جداست

بزریرچم خود بی آورد و از خواست بحق این کشورها برای پاسداری از استقلال خویش سوء استفاده کند، سلطه خویش را بر آنها برقرار سازد یا تحکیم کند و از آن ها چون گوشت دم توپ در رقابتش با امپریالیسم روسیه سودجویید. روشن است که خط مشی صحیح برای کشورهای منطقه، خط " نه شرقی، نه غربی " و حفظ استقلال و ابتکار عمل خود است. آنها با یکدیگر متحد شوند، در مقابل تهدیدات و تجاوزات روسیه بایستند، دست رده سینه آمریکا بزنند و خط مستقل از دو ابر قدرت را دنبال کنند. در مقابل این خط مشی درست ضد دو ابر قدرت، دو انحراف در عکس العمل های کشورهای منطقه و نیروهای سیاسی آنها دیده میشود: ۱- انحراف نزدیکی به آمریکا از ترس روسیه. ۲- انحراف مقابل بله با روسیه با تکیه به نیروی خود را امکان پذیر نمیداند، بخاطر اینکه به توده های خلق کشور خود اعتماد بقیه در صفحه ۴

پس از حمله سوسیال- امپریالیسم شوروی به افغانستان و اشغال این کشور، امپریالیسم آمریکا که منافع حیاتی خود در منطقه را (بویزه نفت) در خطر می بیند، شدیداً به دست و پا افتاده است و برای حفظ منافع غارتگرانه خود به اقدامات مختلفی دست میزند. از طرف دیگر، تهاجم امپریالیستی شوروی، کشورهای جهان سوم در منطقه را با خطر تهدید و اشغال نظامی از سوی روسیه مواجه کرده و این کشورها را به چاره جوئی برای حفظ استقلال خویش واداشته است. این دو حرکت، دو جریان کاملاً متضاد و یکدیگر ناپذیر. جریان اول، عکس العمل یک ابر قدرت در مقابل دیگری برای حفظ منافع غارتگرانه خود است، و دومی عکس العمل بحق کشورهای تحت ستم برای دفاع از استقلال خویش. با توجه به این اوضاع است که امپریالیسم آمریکا تلاش میکند حرکت بحق و مستقل جهان سوم در برابر شوروی را

گزارشات شهرستانها



پایان تحصن دانش آموزان بلوچ

زاهدان - عده‌ای از دانش آموزان بلوچ که از روز ۱۶ دیماه در آموزش و پرورش زاهدان برای اعتراض به دستگیری ۱۱ دانش آموز در ایرانشهر، متحصن شده بودند یکشنبه گذشته به تحصن خود پایان دادند. دانش - آموزان دستگیر شده در ایرانشهر اتهامشان شرکت در تخریب صندوقهای رفاندم قانون اساسی بود.

مقامات شهر به دانش آموزان متحصن قول دادند که پس از آمدن دادستان جدید، زندانی‌ها محاکمه شده و در صورت اثبات بی‌گناهی آزاد خواهند شد. در عین حال تعدادی دیگر از خواستهای دانش آموزان بلوچ از جمله به رسمیت شناختن انجمن دانش آموزان بلوچ از طرف مسئولان آموزش و پرورش مورد قبول قرار گرفت.

مسئول سپاه پاسداران زاهدان، چند روز پس از تحصن دانش آموزان در تلویزیون زاهدان ادعا کرد که یکی

اعتراض دانش آموزان عشایر فارس

شیراز - عده‌ای از دانش آموزان و دانشجویان عشایر فارس با صدور اطلاعیه‌ای حمایت سپاه پاسداران را از دهقانان و عشایر در مقابل فتوایها ستایش کرده و خواهان قطع نفوذ فتوایها و عوامل رژیم سابق از این مناطق شدند.

این اعلامیه که با "الزرع للزارع و لوکان غاصبا" (کشت از آن کشاورز است گر چه زمینش غصبی باشد) شروع می‌شود، چنین خاتمه می‌یابد: "ما همگی از مقامات می‌پرسیم که چرا بعد از اینکه برادران پاسدار، مزدوران را

نامه‌ای از شورای آموزگاران پیر کوه آمارلو (رودبار) از غارت اشیاء عتیقه ادب. ناحیه

رهبری سازمان چریکها

به عملکرد بسیار خطرناک و زیانبار دستجات فدائی نسبت به دست‌آوردهای انقلاب و نسبت به وجودیت و ادامه فعالیت چپ‌اصیل، خواهشمند است این مقاله را که افشای گوشه‌هایی از تناقضات و سردرگمیهای ایدئولوژیک و تئوریک این ماجراجویان بی اصول و ملعبه ابرقدرتها - امر بدرج فرمائید. امیداست که مورد توجه سپاه ها و طرفداران این جریان التقاطی وسیع که غالباً "نوجوانان کم اطلاع و پر شور هستند" قرار گیرد. این افشاکاری بویژه در آستانه سالروز ۱۹ بهمن که شاهد معرکه‌گیری رهبریت مشکوک و عاصب چریکها خواهیم بود بسیار ضرور است و سمپاتی‌زانه‌ای بالقوه چپ را متوجه نیروهای سالم‌تر خواهد کرد.

با تشکر قبلی و پوزش از زحمت مکرر یحیی ابدال
ملت ایران طی ۷۵ سال اخیر سه انقلاب عظیم از سر گذرانده: ۱- انقلاب مشروطیت (که بدلائل مشخصی بنوع امپریالیسم بریتانیا در برابر روسیه تزاری تمام شد) ۲- نهضت ملی کردن نفت (که باز هم بدلائل معینی بنوع آمریکا تمام شد) و بالاخره انقلاب جاری که باید مواظب باشیم لقمه چپ تجاوزگران شمالی، یا قربانی یک سازش بزرگ طرفداران "تشنج‌زدایی" با هواداران حقوق نفتی بشویم.

پیدا است که نفوذ و رسوخ امپریالیسم در شرایط ایران فقط از طریق دستجات به اصطلاح انقلابی می‌تواند صورت گیرد، بویژه آن دستجاتی که بطت نداشتن استحکام ایده‌ئولوژیک، دانش آموزان برآمده از همین آب و خاک بوده‌باشند - در جریان عمل به وابستگی رانده میشوند.

آنانکه یونیورسالیسم سرمایه‌داری را با انترناسیونالیسم پروولتری فرق نمی‌گذارند و بدون تشخیص مرحله‌ای انقلاب، فیلسوفانه مینویسند: "ما فقط از همین سوسیالیستی‌مان دفاع میکنیم" (نشریه کار ۵۸/۷/۹۰)

... ضمن آنکه طی ۱۲ سال فعالیت مخفی و اغیار تا بحال یک کلوئه علیه آمریکا شلیک نکرده‌اند... آری اینان بهترین الت دست استعمار از هر رنگش توانند بود و بخوبی نقش "توده‌ای انگلیسی"‌های زمان مصدق را که نقش دوگانه سینه‌زنی برای کارگر و دشمنی عملی با کارگر را ایفا میکردند، باز ایفا خواهند کرد. دارو دستانه‌ای که با افتخار مینویسند: "در کجای فرهنگ

اما هر مبتدی میدانند که نئین در شرایط بعد از ۱۹۵۸ گفت: (ما در سندیگاهای زرد هم وارد میشویم و در دروهای دولتی هم میرویم). اما از آوریل ۱۹۱۲ بعد سخن از قیام میگفت و لذا حتی در دولت ملی موقت انقلاب هم شرکت نمی‌کرد. فدائیان درک غلط خود از لنینیسم و بیسوادی ایده‌ئولوژیک خود را در مفهوم پیشاهنگ از همه جا بهتر نشان داده‌اند و بدینگونه در اینجا هم دچار انحراف شده‌اند.

در مارکسیسم در هر فرمایشی تاریخی آن طبقه که بار اصلی تولید روی دوش اوست و لذا بیشتر استثمار میشود، لدراسات انقلابی در تعیین نظام و نقش رهبری و سرکردگی در آینده را دارد، بدین سبب طبقه پیشرو نامیده میشود. لنین برای عناصر آگاه و متشکل طبقه پیشرو در یک حزب، رسالت ویژه قائل است و حزب طبقه پیشرو را پیشاهنگ آن طبقه می‌نامد (و در مواردی بخشی از طبقه را که زودتر بیدار شده به مبارزه برمیخیزد، پیشاهنگ مینامد). باری در این رابطه لنین از انقلابیون حرفه‌ای نام برده است یعنی: مسلحین و مروجین و "رگانیزاتورها و عناصر مسلح کمونیست (در برابر اتحادیه‌چی‌های فرمیست).

فدائیان سالهاست این مقدمات را نفهمیده، به شیوه آوانتوریستی و کاستریستی و دهریستی برخلاف مثنی توده‌ای دراز مدت کمونیستی، خود - بی‌انیه و کاملاً ذهنی گرایانه خود را پیشاهنگ و پیشرو و پیشگام مینامند و عملاً بعلت نداشتن بینش و دور نمای روشنی از حرکت اجتماعی صرفاً دنباله‌رو و اسیر تاکتیک پروسه هستند و ملعبه جریانهای مشکوک برانگیخته وسیله عوامل مشکوک میشوند (آنچنان که در انزلی و بلوچستان رخ داد) و جاده صافکن خر مودرن‌دانی که پشت دست بازی میکنند، میگردند و کلاس استازی برای دو جریان خطرناک ضد ملی آمریکائی و روسی شده‌اند که یا نمی‌فهمند و یا در سراسیمگی که افتاده‌اند چاره‌ای جز این ندارند.

از منتهی الیه "چپ" تا مواضع بورژوا لیبرال و لومین بورژوا (رجوع به هیجدهم بروم) و حتی رگه‌هایی از اندیشه نئوفاشیست در نوشته‌ها و اعلامیه‌های اینان مشهود است. و گاه برخلاف حداقل صداقت انقلابی مورد انتظار، از اپورتونیسم گذشته به شارلاتانیسم می‌رسد و همین است "جاذبه" این جریان التقاطی برای زیگولیسیم بی سواد و آنا رشیسم اشافاده‌ها و لسانستهای اخلاق.

تبریک به حزب

توسط مدیریت روزنامه وزین رنجبر

باین وسیله عالیترین درودها و سلام و سپاس فراوان خود را بنسابت اولین گنجره رنجبران ایران تقدیم عموم رنجبران می‌نمائیم. و این فرصت بزرگ و تاریخی را که ورقی زرین در صفحه درخشان تاریخ مبارزات استقلال طلبانه ایران عزیز است بس گرامی می‌داریم و به شما برادران رنجبر واقعی

درودهای دروسی خود را از این شهر کارگری اصفهان تقدیم شما می‌داریم و به امید پیروزی بیشتر رنجبران ایران در احقاق حقوق حقه خود هستیم و امید است این گنجره طلعبه درخشان دیگری برای رنجبران ایران باشد. تمنی دارد مراتب سپاس و درود و سلام این رنجبر را به عموم رنجبران شرکت کننده ابلاغ گردد. اصفهان (م)

خودتان ایشان هم متقا بلا "قول مساعد به شما داد" حالا چگونه به او حمله میکنید؟ (کار ۱۵/۲۲). لنین بدرستی نشان داده است که آوانتوریسم و اکونومیسم دوروی یک سکه‌اند و هر دو از اپورتونیسم مایه میگردند. شما که امروز پیکاریان را اکونومیست مینامید مگر خود در اسفند پیشنه‌باد بخشودگی کلیه وام "کارگران، کسبه، کشاورزان، پیشه‌وران، کارمندان" را ندادید؟ و بدینگونه بر عقب مانده‌ترین تمایلات اکونومیستی طبقه متوسط انگشت گذاشتید. و اکنون فعالیت‌های بی‌شائبه جوانان را در جهاد سازندگی، "عواقریبی" مینامید! باین میگویند حرف بخاطر حرف و مخالف خوانی محض و توخالی.

تاریخ نشان داده‌است که چپ‌روان سر از راست‌ترین مواضع در آورده‌اند، بوخارین و تروتسکی بجای خود، در این مورد بخصوصی باید از آثار شیستها، پردو کاتسورها، تورریست‌ها و بانگ‌زنها نام برد که بهترین پرورشگاه و پایگاه فاشیسم شده‌اند. آری پر مدعائی و خود محور بی‌بسی و بی‌اعتقادی به توده‌ها و بی‌اصولی نخرده بورژوازی آخر سراز کانگستریسم سیاسی در می‌آورد که منفردترین مواضع است.

از لحاظ ارزیابی طبقاتی نیروها - همچنانکه لنین در رساله (احزاب سیاسی - ۱۹۱۲). نشان داده است خلقیون (= یارودونیک‌ها) نیروی بورژوازی هستند. موضعگیری فدائیان در عقب مانده‌ترین مناطق ایلیاتی که هنوز مساله ارضی حل نشده و مطرح کردن خواست "خودمختاری" صرفاً بورژوا دمکراتیک است (دقت کنید) در تأیید این نظر توجه خواننده را به جزوه "خلق عرب" نوشته "رزمندگان آزادی طبقه کارگر"

علم به نفوذ عوامل امپریالیسم و صهیونیسم در میتینگ طرفدار آبنندگان - بازم در آن شرکت کردید (کار ۵/۲۲ و ۵/۲۹). آیا خنده - آور نیست که پیشگام و پیشاهنگ، دو ماه پس از "فلانتر خط امام!" دست مقدم مراغه‌ای را رو کند؟ و شعار ضد لیبرالی بدهد در حالیکه خود تا مغز استخوان لیبرال است! از دفاع‌نگین نامه‌های آمریکائی - اسرائیلی بگیر تا همکاری با "حزب" متین دفتری تا موضع منززل در برابر باند مشکوک قاسملو - بلوریان.

"امانت ادینی" پیشاهنگان هم جالبست: "تحلیل" و دشنام‌های حزب توده را علیه چپ اصیل و مستقل و دفاع از دژ سوسیالیسم، میدزدند و علیه خط ۳ می‌نویسند (۶/۲۶) و متقابلاً عین حملات اتحادیه کمونیستها (در شماره‌های نشریه حقیقت) کش می‌روند و علیه حزب توده بکار می‌روند (۹/۲۸ و ۹/۵).

اینان که در اظهار همبستگی به دانشجویان خط امام ۱۳ روز تامل ورزیدند و آنهم بعد از افشاکاری امام (که اگر ملی و حتی روسی هستی، شعار ضد آمریکا بده، پس آمریکائی هستی!)، در نوشتن یک اعلامیه "مهم" آنقدر بی‌دقتی ورزیدند که گروه راه فدائی، دهها صفحه در تناقضات اعلامیه ۱۳ و ۱۴ آبان سیاه کرد (شماره ۵ - راه فدائی).

آقایان استالینیست‌های دیش، در همکاری با تروتسکیستهای آمریکائی اندک تاملی نکردند، آخر زیگولی که چند پمپ بنزین در آمریکا دارد و با کارد و چنگال آب می‌خورد! چطور رهبر حزب سوسیالیست کارگران است و شما چه دفاعی از بازداشتی‌های این باند معلوم الحال میکنید؟

شما که دست حزب خلق مسلمان را رو کرده‌اید (البته پس از روستائیان

جلوگیری کنید

از کمیته تدارک اتحاد بزرگ ملی دهستان پیرکوه و آمارلو از توابع شهرستان رودبار.

روزنامه رنجبر
قبل از هر چیز درود و سلام انقلابی به آن نشریه عزیز که خط مشی بس جانانه در مقابل دو غول کاغذی امپریالیسم داشته و دارید.

یک تحقیق و بررسی از طرف رفقا و وفادار به اتحاد بزرگ ملی که جملگی از آموزگاران این منطقه کوهستانی میباشند (که دهستان پیرکوه آمارلو از توابع شهرستان رودبار در شمال ایران است) به آن روزنامه رنجبر ارائه میشود. مردم این دهستان به حفز مینبانی که دارای جنس عتیقه می باشد دست زدند و بسیار جالب این که اکثر عتیقه های گران قیمت را کشف کرده اند که ده هزار سال سابقه تاریخی دارد.

اما مستطافای که هر انسان علاقمند به اقتصاد ملی را به وحشت انداخته این است که مثنی دلان استعمارگر به غارت این اموال و فرهنگ اجتماعی مردم دست زده اند. بطور مثال جنس طلائی ناب را به قیمت ناچیزی خریداری میکنند که در حال حاضر در بازارهای خارجی به چندین میلیون تومان بفروش میرسد و جالب این است که فردی خود

آزادی سه تن از معلمان شوش

شوش - عده ای از دانش آموزان شوش و هفت تبه در تاریخ سوم دیماه دست به تحصن زدند. این تحصن که بدون نتیجه پایان یافت، منجر به دستگیری سه تن از معلمان شد. علت دستگیری این معلمان، تحریک محملین توسط آنان عنوان شد. پس از دستگیری این سه تن عده ای از معلمان از رفتن به کلاس خودداری کردند که منجر به تعطیل مدارس پسرانه شد. معلمان دستگیر شده به یکماه زندان و انتقال از شوش محکوم شدند.

سه معلم دستگیر شده پس از آزادی جلسه ای در یکی از مدارس شهر تشکیل داده و از خانواده های محملین دعوت به شرکت در این جلسه میکنند. در حالیکه در حدود ۵۰ نفر از اولیا دانش آموزان در این جلسه شرکت کرده بودند، به علت اعتراض سایر خانواده ها این جلسه بهم خورد.

رافضی ضابط دادگستری معرفی کرده و از تهران آمده است به کلیشون (که قریه ای است از نظر اقتصاد مرکز این ناحیه) به اینجا آمده و کلیه جنسهای عتیقه را مفت خریداری نموده که کاری است بس ضد ملی و ضد مردمی و خدشی است به اقتصاد خارجی.

از شما نویسندگان آن ارگان مرکزی (رنجبر) استدعا داریم طبق خواسته کلیه آموزگاران این منطقه که وفادار به آرمان اتحاد بزرگ ملی می باشند می خواهیم:

۱- این سند تحقیقی را در برابر افکار عمومی و مردم قهرمان ایران قرار

گیرد.

۲- این خواسته ملی ما را در اختیار مجریان قانون قرار بدهید.

۳- از مجریان دولت ملی بخواهید که با یک اقدام سریع به این هرج و مرج پایان دهد.

۴- ما خواهان دستگیری دلان استعمارگر داخلی و عوامل ارتباط خارجی آنان هستیم.

۵- با پشتیبانی مردم، از طرف دولت و با نظارت مستقیم افراد دولتی از این منابع ملی حفاظت شود.

۶- چون تمام اجناس عتیقه تاریخی، گران قیمت است خود دولت با همکاری مستقیم مردم به حفر آن اقدام نماید.

با تقدیم احترام از طرف کمیته تدارک اتحاد بزرگ ملی - شورای آموزگاران پیرکوه آمارلو.

دبستان دولتی پرویز واعظزاده مرجانی پیرکوه اولیا.

مارکسیستی، یک جریان سیاسی را با عنوان وابسته، طرد می کنند! (آقای کیانوری کیف میکند از این عبارت)، همین ها هستند که تجاوز فاشیستی و بیشرمانه روسیه را به افغانستان تأیید میکنند و احمقانه مینویسند: "شوروی به مردم افغانستان کمک میکند تا حقوقی را که خود نمی فهمند بدست آورند" (کار شماره ۴۰) آنوقت با این وسعت نظر "انترناسیونالیستی" که سرباز کوبائی را در اربتره و سرباز روسی را در کابل حسن استقبال میکند، پاسدار کرمانشاهی را در سندهج تحمل نمی کنند!

فدائیان با دیدی التقاطی و با استناد به لنین، هم طرفدار پایدار مشی مسلحانه هستند وهم خواستار تابلوونشریه آزاد و شرکت در انتخابات!

اعتراف کرده و سیر، بیسپهری، خدشی بوی عطر و ادکلن تنددی که در سیتینگ های فدائی استشمام میشود و قیافه های خورده و خوابیده و نونوار دقیقاً مشخص می کند که چرا شمال شهری ها اینقدر شیفته "کمونیسم" شده اند! در عمل هم می بینیم در شمال شهر است که رفرا ندیم های جمهوری اسلامی بیشترین رای منفی یا متمتع یا مخالف را می آورد. آیا رفقا در این مساله اندیشیده اند!

... و هر قدر نشریه کار فریاد کند که ما همکاری لیبرالها را رد کردیم (۱۰/۲۳) دشمنان دانای مردم ایران، همواره فدائیان را از زمره "دوستان نادان" خود به حساب می آورند و جز "برنامه" "کودتای سفید" منظور می کنند و کاملاً "بجاست" مگر شما نبودید که به اعتراف خود با

کمان نپس از اشغال لتاننداری کرمان توسط دیپلمه های بیکار عده ای از طبقات مختلف مردم کرمان بدعوت جامعه روحانیت و استانداری در مسجد جامع اجتماع کردند تا ضمن راهپیمائی در خیابانهای شهر به محل استانداری رفته و با دیپلمه های بیکار مذاکره کرده و آنها را به ترک استانداری تشویق نمایند.

تحصن دیپلمه های بیکار کرمان

کمان نپس از اشغال لتاننداری کرمان توسط دیپلمه های بیکار عده ای از طبقات مختلف مردم کرمان بدعوت جامعه روحانیت و استانداری در مسجد جامع اجتماع کردند تا ضمن راهپیمائی در خیابانهای شهر به محل استانداری رفته و با دیپلمه های بیکار مذاکره کرده و آنها را به ترک استانداری تشویق نمایند.

بگزارش خیرگزاری یارس در کرمان، قبل از راهپیمائی مردم به طرف استانداری گروهی از دیپلمه های بیکار متخصص در استانداری این محل را ترک کرده و پس از عبور از خیابانهای شهر وارد مسجد جامع شدند. در اینجا مهندس زارع استاندار کرمان طی سخنانی یادآور شد که در حال حاضر مشغول تهیه مقدمات طرح اشغال فارغ التحصیلان بیکار با تأسیس شرکت-

های تعاونی هستیم. لذا کار تحصن و اشغال استانداری توسط این گروه بهیچ وجه صحیح نیست در حالیکه مادر آستانه برگزاری انتخابات هستیم و بایستی جهت برگزاری صحیح انتخابات فعالیت کنیم.

پس از سخنان استاندار کرمان نماینده فارغ التحصیلان بیکار خواسته های خود را مطرح کردند و در پایان گروهی از مردم به همراه استاندار کرمان به سوی استانداری راهپیمائی کرده و از دیپلمه های متخصص خواسته شد که استانداری کرمان را ترک کنند و پس از مدتی بیکاران استانداری را ترک کردند و از آنجا خارج شدند و قرار شد پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری موضوع دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد.

حکوم نمود. در آخرین بخش از راهپیمائی افغانی های مقیم شیراز قطعنامه ای قرائت شد که در بخش هایی از آن آمده بود:

خروج فوری نیرو های روسی از افغانستان.

ببرگ کارمل را برسمیت نمیشناسیم.

از کلیه کشورهای استقلال طلب، خصوص کشورهای اسلامی، تقاضای کمک مادی و معنوی داریم.

قطره خون مبارزه می کند " با خود حمل می کردند نفرت عمیق خویش را از اشغال افغانستان نشان دادند.

در پایان این راهپیمائی، یکی از شرکت کنندگان در این مراسم، سخنرانی نمود. وی در صحبت های خود خاطر نشان کرد که هر افغانی که قادر به جنگیدن باشد باید به مبارزین مشغول جنگ، بیبویدد. این سخنران سپس توجیهات امپریالیسم شرق را در مورد اعزام ۱۰۰ هزار سرباز مهاجم به افغانستان و اشغال آن را به شدت

چالغوز اباد! چرا صریحاً نمیگوئید! کشتار قارنا کار همین باند بوده و معبودی رئیس کمیته خلق مسلمان طبق گفته آقای بهادران - که قبولش دارید - جلاد قارناست؟ برای اینکه ماهیاست تبلیغ میکند کشتار قارنا کار کمیته های امام خمینی است. آیا این است شرافت انقلابی!

شماکه مواضع کمیته ها و پاسداران و دادگاههای انقلاب را در برابر "لیبرالیسم بازرگان" تأیید میکنید، چگونه بلافاصله نهادهای انقلابی را فاشیستی و ارتجاعی نام می دهید (کار- ۹/۵) و چگونه شعار میدهید: "ارتش پرادر ماست - پاسدار دشمن ماست!" لابد این را زرتنگی حساب کرده، "تشدید تضاد در جبهه دشمن!" مینامید. شما که در جانشینی فرید بجای مدنی از مدنی ستایش کردید (و بقول

ارجاع میدهیم نه بدرستی در باره خوزستان نوشته اند: "پرولتاریای عرب در مبارزه خلق عرب حضور قابل ملاحظه ای ندارند"، ص ۶۳.

آیا هنگام آن نرسیده که هواداران واقعا انقلابی این جریان بطور موثر و عملی از رهبریت سر در گم و آلت دست شده یا مشکوک و متمعد "سازمان چریکهای فدائی خلق" توضیح بخواهند؟

ارادتمند - یحیی ایدال
۵۸/۱۰/۳۰

* فدائیان روز ۲۳/۱۱/۵۷ بانک ملی رفسنجان را زدند و حالا از مسدود شدن حساب بانک صادراتشان گله دارند (کار ۱۰/۷)

برگزاری جشن ایجاد حزب رنجبران ایران در کرمان

روزیکشنبه سیام دیماه شعبه حزب رنجبران ایران در کرمان بمناسبت تشکیل اولین کنگره حزب جشنی در دفتر رنجبر در این شهر برگزار نمود. این جشن در محیطی بسیار رسمیانه از آقا قشار و طبقات مختلف به خصوص جوانان و نیروهای مختلف سیاسی برگزار گردید.

در این جشن بعد از خوش آمد به شرکت کنندگان در جشن مقاله ای در رابطه با تشکیل حزب و برنامه آن خوانده شد و پس از اجرای چند سرود و دکلمه شعر، یکی از نمایندگان حزب در رابطه با حزب و شرایط حساس کشور ما توضیحاتی داد که مورد توجه عموم قرار گرفت.

ضمناً بعد از پایان جشن دوا علامیه در رابطه با یک قرن تجا و ز آمریکا و ۲۰ سال تجا و ز شوروی درجهان و رنجبر شماره ویژه کنگره حزب بخش گردید که مورد توجه قرار گرفت.

شماره ۱۷
تلفن: ۸۲۰۶۹۱
چاپ سکه

رجاع میدهیم نه بدرستی در باره خوزستان نوشته اند: "پرولتاریای عرب در مبارزه خلق عرب حضور قابل ملاحظه ای ندارند"، ص ۶۳.

آیا هنگام آن نرسیده که هواداران واقعا انقلابی این جریان بطور موثر و عملی از رهبریت سر در گم و آلت دست شده یا مشکوک و متمعد "سازمان چریکهای فدائی خلق" توضیح بخواهند؟

ارادتمند - یحیی ایدال
۵۸/۱۰/۳۰

* فدائیان روز ۲۳/۱۱/۵۷ بانک ملی رفسنجان را زدند و حالا از مسدود شدن حساب بانک صادراتشان گله دارند (کار ۱۰/۷)

ارادتمند - یحیی ایدال
۵۸/۱۰/۳۰

روسیه حضور نظامی خود در افغانستان را افزایش میدهد

هر روز بیش از ده هواپیمای غول پیکر آنتانوف در فرودگاه های کابل و "بک رام" می نشینند و علاوه بر تانک های (ت - ۶۲) و وسایل حمل و نقل، زنراتورهای الکتریکی، بولدوروز و مواد ساختمانی و وسایل ضبط اطلاعات نیز وارد افغانستان میشود.

مجاهدین نبرد خود را در دو ناحیه کویرهای جنوب غربی و عمدتاً اطراف شهر "قندهار" و استان های کوهستانی "تخار" و "بدخشان" که در انتهای شمال شرقی کشور هستند متمرکز نموده اند.

رنجبر ارگان حزب رنجبران ایران

مدیر مسئول علی حجت سردبیر فرا مرز وزیر نشانی - خیابان انقلاب
خیابان را مسر، کوچه آراسته شماره ۱۷
تلفن: ۸۲۰۶۹۱
چاپ سکه

از کارگران درس استقلال خواهی آموختم

مبارزات شرکت داشتیم بعد از انقلاب چنان منفرد و مورد تنفر کارگران قرار گرفتیم که بارها تصمیم به استعفا از آن کارخانه را داشتم ولی باندکی تفکر در مورد حالت‌های موجود در محل کار و جمع‌بندی تجربیات چند ماهه بعد از انقلاب و مطالعه متون کلاسیک و سازمانها، بی به اشتباه خود برده و همان کارگرانی که لقب "ناآگاه" و "فالانژ" را در موردشان بکار می‌بردم به‌علمان من تبدیل گشته و من توانستم درس استقلال خواهی و دفاع از مملکت را در مقابل دو ابرقدرت از آسان بیاموزم و وقتی که میان احساس و عقل - منطق را پذیرفتم دیدم خطر رنجبر "راست" نبوده بلکه خط توده‌های زحمتکش می‌باشد و من بودم که مشی ضد توده‌ای و آنارشیستی را پذیرفته بودم.

رفقا! اکنون من در تلاشم تا خرابی‌های شش‌ماهه خود را در محل کارم پاک کنم تا به‌همان کارگر قبل از انقلاب تبدیل شوم - اکنون در صد جلب اعتماد توده‌ها می‌باشم و در هر یک کارگر

شرکت «تالس هفده» زاهدان

اگر به خواسته‌هایمان نرسید، متحصن خواهیم شد

کارگران شرکت ساختمانی "تالس هفده" شهر زاهدان که از هیچ‌گونه مزایایی برخوردار نیستند و همیشه با خطر اخراج از طرف کارفرما روبرو هستند، برای بر آوردن شدن خواسته‌هایشان در تاریخ اول بهمن‌ماه از کارگاه تا شهر (۵ کیلومتر) راه پیمائی کردند.

این شرکت ۵۵۰ کارگر و بنا دارد و مشغول ساختن دانشسرای عالی زاهدان (تربیت معلم) می‌باشد. طی تماسی که با آنها گرفتیم، یکی از کارگران به نام حسین زوردشتکی اظهار داشت:

- ۱- کار فرما ما را اخراج می کند و کارگران دیگری استخدام می‌کند. وقتی علت را جویا می شویم می گوید: " دلم می‌خواهد و کارگران را بیرون می‌کنم، همین. هر چا می خواهید بروید شکایت کنید"
- ۲- به اظهار این کارگر، شرکت کارها را به صورت پیمانکاری به‌همکارها می‌دهد تا مسئولیتی در قبال کارگر نداشته باشد.
- ۳- کارگر دیگری بنام حسین میرشکار می‌گفت: "ظواهرها سرویس نمی‌آید. ما هم در نان خشک بخوریم. نه پول غذایی دهند و نه کانتین (غذاخوری) داریم."
- ۴- عبدالله خدیری: حقوق‌ها را سر برج نمی‌دهند. بیمه نیستیم در صورتی که حق بیمه از ما کم میکنند.
- ۵- مریض هم می شویم اجازه نمی‌دهند بیمارستان برویم. و اگر رفیق غایبی می‌رسند.
- ۶- محمد رضایی: مرخصی هم نداریم. می‌گویند هر وقت بیرونتان کردم، مرخصی خواهید داشت.
- ۷- عباس سرگلزایی: اگر ۵ دقیقه در کتف، غایب می‌زند، راه ما خیلی

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کتابهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمایید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۶۸

بانک ملی ایران

در اداره بندر بوشهر بجای بازنشستگی

میخواهند کارگران را اخراج نمایند!

کارگران اداره بندر بوشهر که در مبارزات اخیر خود، (رجوع نمود به رنجبر شماره ۱۱) وحدت و یکپارچگی شایسته‌ای از خودشان نشان داده‌اند، متحدا در مقابل اینگونه خودسرها و بیعدالتیهای برخی از مسئولین میایستند. چنانچه کارگرانی که سبب بازنشستگی زبیده‌باشند باید از حقوق و مزایای بازنشستگی استفاده کنند.

مسئولین اداره بندر بوشهر، میخواهند هشت تن از کارگران این بندر را که هر کدام بین ده تا بیست سال در این اداره کار کرده‌اند، بدون پرداخت هیچگونه حق و حقوقی اخراج نمایند. این اخراج در شرایطی انجام میگردد که این زحمتکشان پس از سالها رنج و کوشش و فرسودگی ناشی از شرایط سخت کار و محیط زندگی باید بازنشسته شده و با حقوق مکنی بزندگی ادامه دهند.

آنها یکمتر از زمین را که دهقانان کاشته‌اند، توی آن تراکتور برده‌اند و زمین کاشته شده را زیر و رو کرده‌اند، چنین عملی در چند روستای دیگر هم مشاهده شده است. پای صحبت چند تن از اهالی این روستا می‌نشینیم:

آبیاری: "من روی زمین ارباب کار می‌کردم. امسال هم کار کرده‌ام و همه‌ی زحمات آن را من کشیده‌ام. الان دیگر نمی‌گذارند من کار کنم. حدود ۳۰۰ نفریم که بیکاریم. هر چه پس - انداز داشته‌ایم خورده‌ایم. قبلا "ارباب

شب تا صبح دور و بر خانه ما تیراندازی می‌کنند. بخاطر اینکه ما را بترسانند. ما اگر سنی هم باشیم باز هم مسلمانیم. ما نمی‌دانیم چکار باید بکنیم؟ دزدی بکنیم ما را می‌گیرند. اصلا " سرمایه‌دارها با هم یکی هستند. من ۶ ماه در یک کارخانه کار می‌کردم. بعد از مدتی مالک ده ما به کارفرما سفارش کرد مرا اخراج کند. . . در مورد حل مسئله زمین دولت

عشایر نورآباد ممسنی

خوانین فارس را خلع سلاح کنید

اخیرا پاسداران منطقه نورآباد ممسنی، عده‌ای از خوانین طاغوتی و زورگویان محلی این نواحی را خلع سلاح کرده‌اند. البته این خلع سلاح کامل نیست و فقط تا کنون بیست قبضه سلاح که در میان آنها، برنو، کلا شنیفک و پنج تیر بران دیده می‌شود، به دست آمده است. مردم از گوشه و کنار می‌شوند که سپاه پاسداران فارس قرار است اینس

ابرقدرتها

وضع شوروی هم چندان بهتر نیست. این امپریالیسم نوحاشته به افغانستان لشکر کشید تا کشوری را که صرفت در اثر مبارزه مردم دلاورشی از زیر دستش بیرون رود، دوباره به زیر سلطه خود گیرد، اما هنوز دو هفته از اشغال افغانستان نگذشته است که می‌بینیم مبارزه مسلحانه با شدت بیشتر ادامه دارد. ارتش روسیه تلفات فراوان میدهد، مردم افغانستان و سازمانهای سیاسی آن متحد میشوند، مردم جهان

عادلانه آنها با مبارزات بقیه نیروهای انقلابی عملی خواهد شد. دولت هم باید به خواسته‌های بحق و عادلانه دهقانان پاسخ مثبت بدهد و بسا انجام یک برنامه واقعی اصلاحات ارضی و از بین بردن بقایای فئودالیسم به شکوفائی و رشد کشاورزی کشور و به تحکیم استقلال مبین کمک نماید.

هرگ جانگداز یک آموزگار عشایری

طبق گزارش رسیده، آقای احمد عوضی، آموزگار عشایری از طایفه جاوید قره (گوسنگان) که در بخش پیرپود الیکودرز لرستان مشغول به کار بوده‌است، در تاریخ ۷ دی ماه جهت تهیه ذوقه از دهکده مزبور حرکت میکند. ولی متأسفانه در کولاک شدید گرفتار شده و بر اثر برف و سرما فوت می‌کند. جسد وی به مدت ۳ روز در بیابان می‌ماند و بالاخره در تاریخ ۱۰ دی ماه، اهالی محل، جسد او را پیدا کرده و به اداره کل آموزش عشایری شیراز تحویل می‌دهند. ما ضمن تسلیت به خانواده و باز ماندگان احمد عوضی که حاضر شده بود به خاطر خدمت به هم میهنان محروم عشایری خود در یکی از دور افتاده ترین نقاط کشور و محروم از هر گونه امکاناتی زندگی و فعالیت نماید و همچنین تسلیت به کلیه آموزگاران عشایری و همکاران این آموزگار فداکار، تأسف عمیق خود را از این حادثه ابراز می‌کنیم. تأسف به ویژه از این جهت که به خاطر نبودن راه وسیله، یک معلم که سرمایه بزرگی برای مردم و کشور ماست به این شکل فجیع از بین می‌رود در حالی که با ایجاد حداقل وسائل رفاهی برای توده‌ها می‌توان از تکرار چنین رویدادهای غم انگیزی جلوگیری کرد.

مبارزات شرکت داشتیم بعد از انقلاب

چنان منفرد و مورد تنفر کارگران قرار گرفتیم که بارها تصمیم به استعفا از آن کارخانه را داشتم ولی باندکی تفکر در مورد حالت‌های موجود در محل کار و جمع‌بندی تجربیات چند ماهه بعد از انقلاب و مطالعه متون کلاسیک و سازمانها، بی به اشتباه خود برده و همان کارگرانی که لقب "ناآگاه" و "فالانژ" را در موردشان بکار می‌بردم به‌علمان من تبدیل گشته و من توانستم درس استقلال خواهی و دفاع از مملکت را در مقابل دو ابرقدرت از آسان بیاموزم و وقتی که میان احساس و عقل - منطق را پذیرفتم دیدم خطر رنجبر "راست" نبوده بلکه خط توده‌های زحمتکش می‌باشد و من بودم که مشی ضد توده‌ای و آنارشیستی را پذیرفته بودم.

رفقا! اکنون من در تلاشم

تا خرابی‌های شش‌ماهه خود را در محل کارم پاک کنم تا به‌همان کارگر قبل از انقلاب تبدیل شوم - اکنون در صد جلب اعتماد توده‌ها می‌باشم و در هر یک کارگر

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کتابهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمایید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۶۸

اتکاء به نیروی خود در تمام زمینه‌ها

اتکاء به نیروی خود در تمام زمینه‌ها ، یکی از اصول راهنمای اندیشه و عمل حزب رنجبران ایران بمثابة حزب پیشروان پرولتاریای ایران است . اتکاء به نیروی خود یعنی در زمینه فکری خود با مغز اندیشیدن و در زمینه مادی به نیروی خود ، توده‌های مردم کشور خود برای انقلاب تکیه داشتن . اتکاء به نیروی خود پایه و اساس طرد وابستگی و دنباله روی و پایه‌ی ابتکار در دست خود داشتن در مبارزه است و بدون آن استقلال فکری و عملی بی معنا و امکان ناپذیر است .

که بدست آوردن استقلال کامل میهن از نوع امپریالیسم ، بویژه دوا بر قدرت جهان‌خوار ، تنها و تنها بدست توانای توده‌های خلق‌های ایران ، بویژه زحمتکشان ، امکان پذیر است و نه تکیه به نیروهای خارجی . هر نوع تکیه به خارج بناچار با خود وابستگی می‌آورد و توده‌ها از وابستگی متنفرند و حزب از وابستگی متنفر است .

بورژوازی همیشه اینطور تبلیغ کرده است که کمونیست‌ها وابسته به بیگانه‌اند و سنت ننگین سیاه رهبری حزب توده هم که چند سالی در رأس جنبش کارگری مآثر داشت و دنباله‌روی شوروی بود ، زمینه مساعدی را برای پذیرش این افکار در میان توده‌ها بوجود آورده است و کار طولانی لازم است که حساب کمونیست‌های واقعی ، میهن - پرست و متکی به خلق‌های ایران ، از حساب رهبری خانی حزب توده و سابقه ننگین دنباله‌روی آن جدا و متمایز شود . تا برای توده‌ها روشن گردد که این خائنین هیچگاه کمونیست نبودند ، و بالاخره هم به مزدوران امپریالیسم تبدیل شدند .

وجود سنت ننگین دنباله‌روی رهبری حزب توده در جنبش کارگری خود عاملی بود که جنبش نوین کمونیستی از ابتدای

شکل‌گیری خود ، برچم روشن طرد وابستگی و استقلال فکری و عملی را برافرازد و امر بد را باهمت خود به امر خوب ، به پیروی از اصل اتکاء به نیروی خود و توده‌های مردم خود تبدیل کند .

اما هنوز سنت‌های ننگین رهبری حزب توده از جنبش چپ ریشه کن نشده و اخلاص میکنند . یکی از این سنت‌ها ، با مغز خود فکر نکردن و الگو برداری از خارج است . این سنت را میتوان در طیف وسیع چپ‌گونی دید که چندراز مردم خود ، تاریخ کشور خود ، سنت‌های کشور خود بیگانه است و در عوض تاریخ جنبش کارگری سایر کشورها را از بردارد و در برخورد به انقلاب گونی نیز بعوض سرپا نشین انداختن ، تحقیق و بررسی کردن و شناخت واقعی از جامعه بدست آوردن و پیروی از اصل جستجوی حقیقت از میان واقعیات ، بطور بی مایه و الگو واری سعی میکند انقلاب گونی را در چهارچوب خشک کتابها بریزد و مثلا " الگوهای انقلاب روسیه را با حوادث امروز ایران بزنند و می بینیم که از این الگو برداری بی مایه خویشی (بی مایه‌بلت بیسوادى همراه الگو - سازی) تزه‌ای من در آوردی " بورژوازی

لیبرال " بمثابة دشمن عمده انقلاب ، برخورد منفی به روحانیت ایران بدون شناخت از جنبش اسلامی ایران و بیرون می‌آید و کار گروه‌های " چپ " دعوا بر سر الگوهای مختلف ذهنی ، بجای تبادل تجارب مبارزاتی در پرتو مارکسیسم - لنینیسم میگردد .

کمونیست‌ها جداگانه واقعی‌انتر - ناسیونالیسم پرولتری‌اند ، اما برای کمونیست‌های ملل مستعبدیده ، مهمترین وظیفه انترناسیونالیستی مبارزه با امپریالیسم در کشور خود و کسب و حفظ استقلال میهن خود در مقابل تجاوزات و تهدیدات امپریالیسم است . روشن است که کمونیست‌های واقعی دنیا (و نه رویزیونیست‌های وابسته به روس) در رسالت مشترک خود برای رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم همبستگی دارند ، اما این همبستگی بهیچ وجه به معنای دنباله‌روی یکی از دیگری نیست ، بلکه هر کدام از آنها به هر حزب پرولتری در هر کشور ، بطور مستقل میانندیشد و برای رهایی خلق‌های میهن خود از یوغ امپریالیسم مبارزه میکنند .

اتکاء به نیروی خود تکیه به توده‌های انقلابی میهن ، طرد وابستگی و دنباله‌روی ، برچم سرخ حزب انقلابی ما در ادامه انقلاب است .

افراد با اصطلاح " مشخص " که دست پروردگان قشر حاکم و جزئی از آن بودند قرار گرفتند . دولت بورژوا - کاسیکین به بهانه بالا بردن تولید در کشاورزی به این " مدیران متخصص " اختیارات وسیعی داد . طبق " مقررات استاندارد مزارع اشتراکی " که وضع شد " صدر " یک مزرعه اشتراکی این قدرت‌ها را بدست آورد . قدرت بکار بردن کلیه اموال و پول‌های متعلق به مزرعه بمیل خود ، طرح ریزی برنامه های تولیدی ، خریدن و فروختن کلیه لوازم و وسائل تولید ، فروش محصولات مزرعه بمیل خود ، اجاره دادن یا واگذار کردن زمینهای مزرعه به افراد ، تعیین میزان حقوق افراد و جوازئی که بآنها تعلق میگیرد و بالاخره اختیار مجازات کردن کارکنان مزرعه . (رجوع شود به کتاب " سوسیال امپریالیسم : شوروی امروز " گرد آوری شده توسط انتشارات نیان ، برکلی . چاپ انگلیسی ، صفحه ۱۰۴) با بدست آوردن این اختیارات یک با اصطلاح " صدر " مزرعه اشتراکی در واقع از تمام قدرت‌ها و مزایای یک سرمایه‌دار در مزرعه خودش برخوردار شد . طبق پیشنهاد بورژوا در پلنوم کمیته مرکزی حزب شوروی در مارس ۱۹۶۵ اصل بکار بردن " انگیزه‌های اقتصادی " جانشین اصل احتیاجات جامعه و نیاز های کارکنان مزرعه اشتراکی که اساس تولید را در جامعه سوسیالیستی تشکیل میدهد گردید . باین طریق اساس کار مزارع اشتراکی هم " سود دهی " که همان اساس کار تولیدی در اجتماع سرمایه داری است قرار گرفت و انگیزه " تولید کنندگان نیز مانند یک اجتماع سرمایه‌داری انگیزه " صرا " سود آوری و مادی گدس . نتیجه عملی این نظام ...

آیت‌الله وحیدی:

بشارکت خود در انتخابات

تجاوز و توطئه شوروی و آمریکا را خنثی کنید

آیت‌الله وحیدی طی انتشار بیانیه‌ای مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کرده ضمن اشاره به اهمیت حفظ وحدت در اوضاع حساس کنونی می‌افزاید: " در حالیکه ابرقدرت شرق ، شوروی متجاوز برخلاف تمام قوانین بین‌المللی به مملکت مسلمان افغانستان یورش برده و برادران افغانی ما را به خاک و خون می‌کشد و آمریکای جهان‌خوار از داخل و خارج عوامل ضدانقلاب را به آشوب کشیدن مملکت مابسیج میکند ، لازم است ملت شریف با هوشیاری و بیداری کامل مثل گذشته ، همه قریب‌ها و خدعه‌انانرا بر ملا ساخته و با شجاعت و شهامت همه آنها را خنثی نماید .

آیت‌الله مکارم شیرازی

اشغال افغانستان بخواب رفتگان را بیدار کرد

در روزنامه اطلاعات مورخ سه‌شنبه ۲ بهمن ماه مقاله‌ای تحت عنوان " راه شکستن محاصره اقتصادی دشمن " بقلم آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی منتشر شده که در آن ضمن تاکید بر اصل اتکاء به نیروی خود در مقابل پادشاه ، اشغال نظامی شوروی در افغانستان را هشدار برای بخواب غفلت رفتگان دانسته می‌افزاید: " حادثه شوم اشغال نظامی افغانستان بار دیگر برده‌ها را کنار زد و خفتگان را از خواب غفلت بیدار نمود و همه ما همانند که باید بر روی شعار انقلابی " نه شرقی ، نه غربی جمهوری اسلامی " خود سخت بایستیم . در ادامه مقاله همچنین آمده است که: " این حادثه دردناک که بخاطر عظمت مسائل مربوط به ایران تا حدی در سطح جهانی تحت الشعاع قرار گرفته به خوش باورانی که گمان می‌کردند اگر آمریکا به ما حمله کند ، همسایه‌مانی به دفاع خواهد پرداخت ، حالی گردید " زهی تصور باطل ، زهی خیال بحال " آیت‌الله مکارم شیرازی در مقاله خود ضمن تشریح وجود امکانات فراوان برای رسیدن به خودکفائی و مقابله با محاصره اقتصادی دشمن می‌نویسد که: " امکانات فراوان برای رسیدن به خودکفائی در زمینه‌های اقتصادی اعم از صنعتی و کشاورزی و دامداری در غالب استانهای این مملکت بالقوه وجود دارد که هرگز در عصر طاغوت شوکان نشد و حتی بسیاری از مردم استانها از امکانات فراوان منطقه خودشان آگاه نیستند . نمی‌دانند روی چه گنج‌هایی نشسته‌اند و در عین حال که از جهات مختلف در محرومیت قرار دارند " .

کامبوج: ...

برای وحدت درجهبه آزادبیش ملی و مبارزه علیه امپریالیسم برای رهایی میهن پاسخ مثبت دادند . حزب کمونیست کامبوج که از سال ۱۹۶۸ تدارک جنگ مسلحانه بنا امپریالیسم آمریکا را میدید و موفق به بسیج روستاییان و ایجاد پایگاههای ارتش منظم و نیروهای چریکی چند ده هزار نفر گشته بود به جبهه متحد کامبوج و ارتش آزادیبخش پیوست و نقش بسیار مهمی را در رهبری و پیروزی آن ایفاء کرد . جبهه متحد کامبوج از طرف کشورها و نیروهای انقلابی و مترقی مورد پشتیبانی بی‌قید و شرط قرار گرفت . در تاریخ ۲۴ و ۲۵ آوریل ۱۹۷۰

شوروی کشوری

در زمان استالین از آنجا که تعاونیهای زراعی هنوز امکان اینرا نداشتند که تمام احتیاجات اعضای خودشان را بر طرف کنند دولت تصمیم گرفت که هر دهقان مزرعه اشتراکی قطعه زمین کوچکی هم داشته باشد که آنرا برای رفع احتیاجات خودش خودش کشت کند . اما هر کشاورز موظف بود که اگر علاوه بر احتیاجات خودش محصولی بدست می‌آورد آنرا به دولت بفروشد و حق نداشت برای فروش آن بازار سیاه ایجاد کند .

بعد از مرگ استالین و بقدرت رسیدن دار و دسته خروشچف - بورژوا که مخالف سوسیالیسم و طرفدار ایجاد سرمایه‌داری بودند ، وضع کشاورزی شوروی هم بتدریج عوض شد . خروشچف و بعد از او شاگردانش بورژوا و کاسیکین دو کار برای از بین بردن کشاورزی اشتراکی و برقراری مجدد سرمایه‌داری در کشاورزی انجام دادند . یکی اینکه قطعات زمینهای خصوصی دهقانان را توسعه دادند بورژوا و کاسیکین مقدار زمینهای خصوصی دهقانان را به ۴ برابر قبل رساندند و سرعت توسعه دادند . نتیجه این شد که طبق گفته متخصصین کشاورزی شوروی مثلا " در سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) ۶۲ درصد کل سیب زمینی تولیدی در شوروی ، ۳۲ درصد تولید سبزیجات ، ۳۲ درصد تولید گوشت ، ۴۴ درصد تولید شیر ، ۲۵ درصد تولید یشم در همین املاک مخصوص دهقانان . تولید مسدود شده شد

۵ در صد بود پس در همین ...
به کتاب "سیاست شوروی از زمان خروشچف" مقاله "سیاست و گرایشهای اقتصادی" به سردبیری ا. دال و ت. لارسن (یعنی در نتیجه این سیاست خائنه دار و دسته برزنف بیش از ۴۰ سال بعد از اشتراکی شدن کشاورزی در شوروی یکبار بخش بزرگی از کشاورزی و دامپروری شوروی بصورت فردی و خصوصی انجام میگردد.

کار دومی که دار و دسته خروشچف - برزنف انجام دادند تبدیل مزارع اشتراکی به مزارع سرمایه‌داری خصوصی بود در رابطه با شیوه تولید سرمایه‌داری در کشاورزی، لنین بارها گفت که تولید سرمایه‌داری در کشاورزی به مالکیت خصوصی زمین احتیاجی ندارد و میتواند بر روی زمینهای ملی شده هم برقرار باشد بنابراین برای احیای سرمایه‌داری در کشاورزی دار و دسته برزنف احتیاجی نداشتند که از نظر حقوقی زمینهای کشاورزی را ملک یکی از سرمایه‌داران نوین شوروی اعلام کنند. تنها کاری که باید انجام میدادند این بود که مزارع اشتراکی را بطریقی در کنترل و اختیار این افراد طبقه حاکم قرار دهند. و همین کار را هم کردند. از اولین کارهایی که دار و دسته برزنف انجام داد لغو قوانین و مقرراتی بود که در زمان استالین برای اداره کارهای مزارع اشتراکی وضع شده بود. قدم بعد اخراج مدیران و کادریهای قدیمی در کار کشاورزی بود. این افراد که اکثر آنها منشأ طبقاتی کارگری و دهقانی بودند سزاجیم پیشرفت کار سرمایه‌داران نوین شوروی بودند. دار و دسته برزنف باین بهانه که این افراد "کم سواد" هستند کلی آنها را از کار برکنار کرد. بجای کادریهای قدیمی

باصطلاح بالا بردن تولید، کارگر مزرعه اشتراکی تحت فشار شدیدی از طرف "صدر" قرار گرفت تا شدیدتر کار بکند و از طرف دیگر بمنظور افزایش هر چه بیشتر "سود" مزرعه اشتراکی سطح زندگی کارگران کشاورزی هر چه پائینتر نگه داشته شد. اما از آنجا که "صدر" مزرعه اشتراکی و هم‌دستانش کلیه اختیارات را در دست دارند، نه تنها با تعیین حقوق کلان برای خودشان و تعیین انواع "جوایز" برای خودشان از درآمد بسیار زیادی برخوردار هستند بلکه با انواع وسائل و حیلها از اموال مزرعه اشتراکی بِنفع خودشان استفاده میکنند. مثلا جامعه شناس شوروی شاپکیف در کتاب خود تحت عنوان "طبقه‌بندی درآمدهای قانونی در مزارع اشتراکی" می‌نویسد که در بسیاری از مزارع اشتراکی که مورد بررسی قرار داده است حقوق ماهیانه تعیین شده برای "صدر" ۱۵ تا ۱۹ برابر حقوق کارکنان معمولی مزرعه بوده است. روزنامه "پراودا" ارگان حزب رولینوویست شوروی در اکتبر ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) خبر میدهد که آقای شوچنگو "صدر" سوخوز باشقیرستان در فاصله سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ هزاران روبل اختلاس کرده است.

اینها نمونه‌های کوچکی هستند از تسلط سرمایه‌داران نوین شوروی در کشاورزی. با مسلط شدن این طبقه بورژوازی نوین بر شوروی بود که نظام سوسیالیستی این کشور بتدریج مسخ گردید و مبدل به نظام سرمایه‌داری شد. طبیعی است که کشاورزی شوروی هم از دسترس این طبقه‌نویں دور نماند و همان سرنوشتی را پیدا کرد که دیدیم.

و ویتنام کنفرانس همسنگی خلقهای هندوچین تشکیل شد. این کنفرانس، امپریالیسم آمریکا و نوکران بومی‌اش را محکوم نموده و اعلام کرد که انقلاب هر کشور وظیفه خلق همان کشور است و وظیفه خلقهای بزرادر کمک و یاری رساندن به این انقلاب است.
در اوایل ماه مه ۱۹۷۵ دو ماه بعد از کودتا، کنگره ملی خلق کامبوجیا با شرکت نمایندگان نیروهای "میهن - پرست" در پکن تشکیل شد. کنگره که تبلور وحدت ملی وسیع خلق قهرمان کامبوج بود برنامه جنبه متحد ملی را تدوین نمود و سیهانوک را بعنوان رئیس دولت انتخاب کرد.
سیهانوک، جنبه متحد کامبوج

و شهرها و روستاها، کشتار و قتل و عام وحشیانه بسرکوب خلق بها خاسته کامبوج پرداخت.
اما این خلق دلیر و قهرمان علی‌رغم مشکلات فراوان با اتکاء به نیروی خود کوه‌دلانه برای دفاع از میهن خویش به مقاومت و مبارزه در مقابل متجاوزین آمریکائی و عاملین بومی‌شان پرداخت و با دادن خونهای بسیار زیاد و در مقابل نابود ساختن هزاران نفر از نیروی دشمن سرانجام کامبوجیا را بگورستان امپریالیسم آمریکا و مرتجعین تبدیل ساخت و در ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ ناقوس آزادی و استقلال کشور خویش را به صدا درآورد.
(ادامه دارد)

قاطی نشود از مقابله فعال با روسیه و وحدت با کشورهای منطقه برای ایجاد جنبه‌های علیه‌دو ابرقدرت پرهیز نمیکند. چنین گرایشی را در مورد مسئله شرکت ایران در کنفرانس اسلامی در پاکستان میتوان دید که عده‌ای اینطور طرح میکنند که شرکت فعال ما در این کنفرانس همراه با کشورهای جهان سوم منطقه، میتواند نقشه‌های آمریکا کمک کند.

این نظریه نادرست است و ما حتی برای اینکه نگذاریم آمریکا از ضعف و ترس برخی از کشورهای جهان سوم سوء استفاده کند، باید فعلا لانه در کنفرانس شرکت کنیم و راه حل اتحاد ملل جهان سوم و اتکاء به نیروی خود و سیاست نه شرقی، نه غربی را در مقابل راه حل انحرافی تکیه به آمریکا برای مقابله با روسیه بگذاریم.

حساب حرکات آمریکا برای منافع آزمندانانه خودش از حساب مقاومت بحق ملل جهان سوم در مقابل خطر روسیه جدا است و ما باید با تحکیم وحدت با کشورهای جهان سوم و تبلیغ و اجرای خط سوم استقلال طلبی ملل ستمدیده را تقویت کنیم و مشت محکمی به پوزه ابرقدرت‌های آمریکا و روسیه بزنیم.



حساب جهان سوم

ندارد و متکی نیست. نتیجه‌این انحراف، رشد نفوذ امپریالیسم آمریکا و تبدیل شده به بازار رقابت او با روسیه است.
۴- انحراف مدارا جویی بسا روسیه و ترس از آن، مماشات کردن با او و عدم موضعگیری در مقابل تجاوزات او.
اما هستند در این میان کسانیکه خط مشی ضد و ابتر قدرت را دنبال میکنند اما بسیاری اینکهمقاومتشان در مقابل خطر روسیه با حرکات آمریکا

مدارا و سازش و خوش‌خیالی نسبت به مقاصد شوروی را متجلی ساخته و نشان میدهد که هرگونه اتکاء و امتیاز و حتی کوچکترین اغماض نسبت به ابرقدرت‌ها نه تنها آنها را از توسعه نفوذ و توطئه‌چینی بر علیه استقلال و امنیت کشورها منصرف نمی‌کند بلکه آنها را حریص‌تر و تشنه‌تر می‌سازد و این سیاست سرانجام به کودتا و تجاوز نظامی و سلطه‌گام آنها منتهی میگردد.

تجربه افغانستان، اهمیت و نقشی قاطع بودن بوضع "نه شرقی، نه غربی" را بمتابه بزرگترین تضمین برای حفظ استقلال میهنمان برجسته می‌سازد. ما باید با تاکید بر این شعار ورد هرگونه مدارا جویی و تکیه به امپریالیسم روسیه برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، از تجربه تلخ افغانستان پند گرفته و با ایفای نقش تاریخی راستین مبارزه علیه هر دو ابر قدرت جهان‌خواه، آینده تابناک انقلاب اسلامی ایران را تضمین نمائیم.

خود را در ارتش افزایش می‌دادند. در همین زمان طبق قراردادی که قبلا "زمان ظاهر شاه بسته شده بود، روسها ساختن شاهراه سالنگ، یک‌جاده از شمال (مزر شوروی) به طرف جنوب (مزر پاکستان) را بیپایان رساندند. در آن موقع از باصطلاح "اهمیت" این جاده برای کشور افغانستان بسیار سخن گفتند. در حالیکه امروز معلوم شد این جاده عملا "در خدمت پیشروی ارتش روسیه بطرف آبهای خلیج فارس و آقیانوس هند قرار دارد.

مزدوران اعصابی سوسیال - امپریالیسم (دار و دسته‌های "خلق" و "برجم" برهبری تریکی - امین - برک کارمل) با حمایت روسیه در تمام دستگاههای دولتی و اداری و ارتشی وسیعا "رخنه نموده و کودتای بعدی را زمینه‌چینی کردند و داوودخان را که هنوز در بی ایجاد باصطلاح "تعادل" بین شرق و غرب بود سرنگون کرده، حکومت کاملا "وابسته ترمکی را بجای آن نهادند و وار آنوقت تاکنون توطئه‌های بی دریغی جنایتکاران کوملین تا اشغال کامل افغانستان همچنان ادامه یافت.

تجربه تلخ افغانستان حاوی آموزش‌های بسیاری برای کلیه کشورها و بخصوص کشورهای جهان سوم می‌باشد. تسلط امپریالیسم روسیه بر کشور همسایه ما و اینکه افغانستان به علت در پیش نگرفتن سیاست استقلال و عدم وابستگی به دو ابر قدرت و مبارزه علیه آنها نتوانست از بیوغ امپریالیسم رهائی یابد و امپریالیستهای روسی جای امپریالیستهای آمریکائی را گرفتند، و رشک‌سنگی سیاست

افغانستان امروز

سلاحهای روسی مجهز مینمود و افسران ارتش را برای تعلیم به روسیه میفرستاد. امتیاز استخراج گاز و قرارداد فروش آن را به نرخ بین‌المللی برای مدت ۲۰ سال به شوروی واگذار کرد و به شوروی امکان داد در پروژه‌های مختلف کشاورزی سرمایه‌گذاری کند و با آن قراردادهای ۴۰ ساله اقتصادی دیگر امضاء کرد. از طریق همین قراردادهای استعمارگران روس ثروتهای کلانی به جیب زدند. قراردادهای نظامی و قبول مستشار نظامی، باعث شد که کودتاجیان دست پرورده روس همچو مار در آستین در دستگاههای دولتی پرورش پیدا کنند و با یک کودتا داوودخان را بر سرکار بیاورند. بدین ترتیب کم شدن نفوذ امپریالیسم آمریکا در افغانستان نه به استقلال و حاکمیت ملی این کشور بلکه به وابسته شدن آن به ابر قدرت دیگر منتهی گشت.

داوودخان همان سیاست مدارا جویی و موازنه مثبت سلفاش ظاهر شاه را با شدت بیشتر ادامه داد و امکانات بیشتری در اختیار شوروی گذاشت. سرمایه‌گذاری های روسی افزایش یافت. آنها امکان یافتند در مجتمع دواب مس، درد دستگاه برق حرارتی مزار شریف، در صنایع شیمیائی و سیما سرمایه‌گذاری کنند و انحصار و امتیاز آنها را بدست آورند. سوسیال امپریالیستهای روس در تجارت بنبه، خشکیار و غیره سرمایه‌گذاری کردند. آنها روز بروز نفوذ

دفاع میکنند و به افسانه‌گری مزدوران داخلی روسیه در ایران می‌پردازند، حمله ور شده‌اند.

در هفته گذشته نیز این اوباشان به ۲ نفر از طرفداران "رنجبر" حمله ور شده بودند.

حملات گشتی‌های دار و دسته کیانوری حمله و یورش ماشین‌های گشتی در زمان رژیم مخلوع در خاطرها زنده کرده و اکنون دیگر روشن شده که باند کیانوری، گروه‌های ضربت بشیوه ساواک درست کرده‌است. آنها افراد مخصوص بخودشان را نیز سازماندهی کرده‌اند. همانطوریکه از حملات دیگر آنها بنز می‌پردازد امکانات متعددی مانند انواع ماشین‌ها و جماق بدستان نقاب‌دار و بی نقاب برخوردار هستند. این اوباشان بسبک "پیراهن قهوه‌ای" های فاشیسم هیتلری در کمین میهن پرستان و در تعقیب استقلال طلبان درگشت و گذارند. آنان بر ضد شعار راستین "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی قیام کرده‌اند و خطر بزرگی هستند که اگر از فعالیت‌های آنها جلوگیری نشود عواقب خطرناکی به بار خواهند آورد.

براه افتادن گروه‌های ضربت هیتلر مقدمه سلطه فاشیسم در آلمان و باند‌های مسلح "سومکا" و جولان قداره بنده‌های شعبان بی‌مع سراجان حکومت فاشیستی شاه بودند. این اوباشان وابسته به روسیه نیز با ایجاد رعب و وحشت در صدد تدارک سلطه جهان‌خواه روسی بر میهن ما هستند. باند‌های اوباش و گروه‌های ضربت دار و دسته کیانوری باید سرکوب شوند.

گشتی‌های باند ...

چسباندیم. یک زن و یک مرد بنام "کریم - ف" که در یک ماشین پژوی سفید نشسته بودند سر رسیده و از درون ماشین شروع به فحاشی بمار کرده مدتی که معلوم شده حنایش رنگی ندارد از ماشین پیاده شده و بدون مقدمه یقه یکی از رفقای ما را چسبیده و به ناسزا گوئی می‌پردازد.

در همین موقع طبق یک برنامه حساب شده ماشین پژوی دیگری از راه می‌رسد و یک نفر دیگر که حدود ۲۵ سال داشت از ماشین پیاده شده و ملاحظا "برای کسب اطلاع از قضیه به یکی از دوستان ما نزدیک میشود و وی را مورد حمله قرار داده و از ناحیه صورت و بینی مضروب می‌نماید. عده‌ای از عابریں که جمع شده بودند با نفرت به این اراذل و اوباش برخورد کرده و پس از آگاهی از حقیقت مبارزه مابده دفاع از ما بومی خیزند.

در همین اثنا که ماشین گشت کمیته منطقه می‌آید، آن مرد دومی که دوست ما را مضروب کرده بود متواری میشود و با مداخله افراد کمیته ماجرا خاتمه می‌یابد و کمیته و کریم - ف را به کمیته منطقه ۳ واقع در خیابان وزرای "سپهر" می‌برند و هم‌اکنون پرونده‌ای در همین زیر در این کمیته موجود است. این چندمین بار است که گشتی‌های باند کیانوری - طرفداران "رنجبر" و حمله‌های مردم که از استقلال ایران

المپیک ۱۹۳۶ در خدمت فاشیسم

برگزاری بازیهای المپیک ۱۹۳۶ در آلمان هیتلری به اسلحه تبلیغاتی نیرومندی در جهت مافع فاشیسم تبدیل گردید.



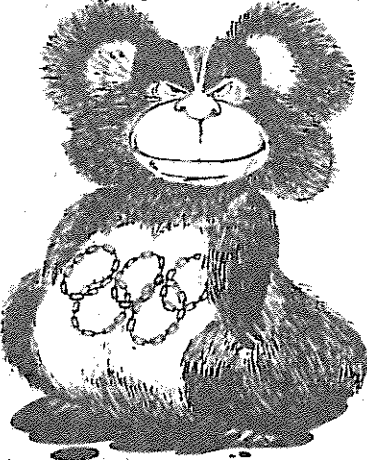
"رن" فرانسه هجوم برد و دو سال بعد یورش همه جانبه خود برای تسخیر اروپا را آغاز نمود.

فاشیستها در حالیکه با تمام قدرت جنگ جهانی دوم را تدارک می دیدند، عوامفریبانه ادعای " صلح دوستی " می نمودند تا هشیاری مردم جهان را در برابر تهاجم خویش از بین ببرند. در حالی که زراد خانه جنگی هیتلر وسیعاً تدارک جنگ جهانی می دید، گوبلز رئیس تبلیغات هیتلر، برگزاری بازیهای المپیک در برلین را نشانه " صلح و هماهنگی جهانی خوانده و از مقاصد " صلح طلبانه " رایش سوم سخن گفت و گرد هم آئی جوانان جهان در " نظم نوین آلمان " و رقابت ورزشی آنان را " نمونه همزیستی جامعه بشری " نامید.

المپیک ۱۹۸۰ در خدمت

سوسیال فاشیسم

گوید، در حالی که ماشین نظامی اش با سرعت در تدارک جنایات بعدی است و پیجه های جنایتکار سوسیال -



امپریالیستها در اروپا، آسیا و آفریقا به خون خلفا آغشته است. آیا تاریخ تکرار می شود؟

المپیک ۱۹۸۰ مسکو زمانی برگزار می شود که کلیه قرائن حاکی از تشدید خطر یک جنگ جهانی دیگر است. سوسیال - امپریالیسم شوروی با تعرض جهانی خویش در تلاش برای سلطه بر جهان، منبع اصلی شروع جنگ می باشد. اگر هیتلر شروع جنگ را به مدتی پس از بازی های المپیک موکول نمود، برژنف تهاجم جهانی خود را مدتهاست که آغاز کرده است. برگزاری بازی های المپیک در مسکو برای تزارهای نوین زمینه مناسبی خواهد بود تا افکار عمومی جهان را از جنایات ارتش تجاوز گر روسیه و فجایعی که در افغانستان انجام داده اند دور کرده و در عوض با به دست آوردن مدالهای طلا و رکوردهای جهانی برای خود حیثیت و احترام قلابی کسب کند. این فرصت مناسبی خواهد بود تا برژنف - همانند هیتلر در سال ۱۹۳۶ در برابر جهانیان از " نیات صلح - جویانه و بشر دوستانه " خود سخن

وزیر امور خارجه

دولت شوروی است، چون ما کوچکترین وابستگی به هیچیک از این ابر قدرتها نداریم. مسئله افغانستان، شاه، امنیت

* جنگ درونی ...

ما درگیر نبردی بزرگ با دوا بر قدرت است. خطر تصادم دوا بر قدرت در منطقه هر روز بیشتر میشود، افغانستان بوسیله ارتش مهاجم روسیه اشغال شده است و امپریالیسم آمریکا مشغول تقویت صف آرا عیسی نظامی اش در مقابل روسیه است. میهن ما در این منطقه حساس استراتژیکی جهان در خطر تهدید و تهاجم و زد و با بر قدرت قرار دارد و آنوقت درست در چنین اوضاع حساس جهانی و منطقه ای که ما با یه پیش از پیش متحدو نسبت به حفظ استقلال کشورمان حساس باشیم، در معرض مشغول زد و خورد با یکدیگر، سندرو کردن علیه هم و برچسب زدن و دعواهای درونی هستیم. گویی هیچگونه خطری میهن ما را تهدید نمی کند و می توانیم آسوده خاطر در خانه با یکدیگر دعا کنیم.

نیروهای درگیر این کشک و جنگ دورنی، نیروهای مستقل و استقلال طلب، دوست - انقلاب اند و تضادهای میان آنها از نظر ماهوی تضادهای درون خلق است که میتواند و باید به شیوهی صحیح و بدور از زبر چسب زنی و افشاگری یکدیگر حل شود. از اینرو بر سر رای تصفیه حساب، یکدیگر را وابسته به بیگانه ... قلمداد کردن بغایت نادرست بوده و با هتک حرمت از مجموعه رهبری انقلاب، موجب دل سردی و توده های و ضربه زدن به انقلاب و استقلال کشور میگردد.

طرفین دعوا هر کدام را صد درصد محق میدانند اما ما معتقدیم علت اساسی این جنگ درونی دعوا بر سر منافع عالی خلق و کشور، دعوا میان انقلاب و ضد انقلاب نیست، بلکه ریشه از قدرت طلبی و تنگ نظری میگردد و ناشی از حرکت از منافع فرقه ای است نه منافع عالی انقلاب. منافع عالی انقلاب در وحدت کلمه قشر رهبری، وحدت رهبری و توده ها، وحدت میان توده ها برای ایستادن در مقابل دوا بر قدرت است نه دعوا و درونی و تفرقه. توجیحات

بگیرند. بکار بردن شیوه های نادرست برچسب، سندرو کردن علیه یکدیگر، سیاه جلوه دادن کارنامه مخالفین و ... شیوه هایی است که عوام مل بومی دشمن سادگی می توانند از آن استفاده کنند، تفرقه را تشدید نماید و به انقلاب ضربه زنند.

برای حفظ استقلال کشور در مقابل تهدیدات روز افزون دوا بر قدرت وجود سه وحدت: وحدت رهبری، وحدت توده ها و وحدت میان توده ها امری کلیدی است. وضع کنونی و شیوه های نادرست حل تضادها به هر سه این وحدت ها ضربه می زند و لذا استقلال کشور را به خطر می اندازد.

در چنین شرایطی ما معتقدیم که بعنوان راه حل مشخص باید گروهی از شخصیت های صالح و مومن به انقلاب اسلامی از طرف امام تعیین شده و سرکزی برای بررسی اسناد مختلف و صحت و سقم آن بوجود آید. این مرکز پس از بررسی اسناد، آنها را که صلاح میدانند به دادستانی کل انقلاب برای تشکیل دادگاه میفرستند و تحت ضوابط قانونی اتهامات و ادعاها بررسی میشود. در این مدت نیز سندرو کردن، تهاجم زدن و ... باید مطلقاً ممنوع شده و افراد و نظرات از هرگونه برچسب و هتک حرمت مصون با شدند و هرگونه برچسب زنی قابل تعقیب باشد.

ما از تمام توده های انقلابی و استقلال طلب دعوت میکنیم که اولاً از شخصیتها و رهبران محلی و کشوری بخواهند که درگیر این شیوه های نادرست کار نشده و بخواهند مسائل به یک هیئت بررسی اسناد منتخب امام رجوع گردند. ثانیاً خود نیز بپیچ وجه درگیر این گونه مسائل نشده و رهبری امام و وحدت روحانیت و وحدت میان خود را تقویت کنند و هوشیاری خود را نسبت به خطر دوا بر قدرت جهانخوا را آمریکا و روسیه با لابرند و با تولید بیشتر، شرکت در برنامهای تدارکی شورای انقلاب و امام برای دفاع از میهن و سایر

* اطلاعیه طرفداران ...

اظهارات غیر مسئولانه این فرد، ما عده ای از طرفداران گروه انقلابی خلقهای افغانستان در اصفهان و حاضر در جلسه مذکور را وا داشت تا صرف نظر از دروغ های فراوانش، نقط مهم ترین نکات اظهار شده از جانب او را همراه با تذکرات خویش به نشر بسپاریم.

این فرد اظهار داشت: ۱ - از جمله ۱۲ هزار زندانی سیاسی که اخیر در زندانها شهید شده اند ۴۰ درصد کمونیست، ۲۰ درصد غیر کمونیست و ۲۰ درصد مرتجعین بودند.

۲ - سه سازمان نام برده که متحد شده اند یگانه نماینده جنبش کمونیستی افغانستان بود که هر کدام هم مستقل و هم به صورت جسمی مناطق آزاد شده در دست دارند. مناطقی که فقط تحت کنترل این سه سازمان قرار دارند عبارتند از " تکاب"، " نجرو"، " زنی"، " فراه"، " نورستان"، " پنجشیر" و " سرپه".

۳ - امروز تمام سازمانهایی که با ایدئولوژی "میرنده" و "ارتجاعی" اسلام فعالیت دارند نمایندگان فتوادلها و متحدین چین و آمریکا هستند که جنبش خلق را به کجراه می کشانند. یگانه نیروی ضد امپریالیستی فقط کمونیستها و مشخصاً این سه سازمان می باشند.

قیام " بالا حصار " کودتای ضد خلقی بوده که از جانب چین و آمریکا سر هندی و توسط " باند" گروه انقلابی براه افتاد و در نتیجه هزارها انسان بیگانه گشته شدند، ما با الهام از جنبش مردم ما و مبارزات گروه انقلابی لازم می دانیم نکات ذیل را به عنوان نقطه نظر خویش منتشر نمائیم.

۱ - با وجود تلاش این سخنران مبنی بر " اتات " فتوادل و امریکائی بودن جنبش افغانستان، نبرد کنونی مردم ما هیچ پیوندی با امریکائی فتوادلها نداشته و اکثر سازمانهای اسلامی در مجموعه جنبش رهائی بخش کشور ما قرار دارند و وجود افراد وابسته سمت کلی این جنبش و سازمانهای مبارز را تعیین نمی کند. این برچسب های جنبش مردم افغانستان در حقیقت توجیچی برای دخالت سوسیال امپریالیزم در کشور ماست و "انتقادات" ظاهری به مداخله این ابر قدرت، دشمنی این افراد را به جنبش مردم پنهان نمی کند.

۲ - مناطق تکاب، نجرو، زنی، فراه، نورستان، پنجشیر و غیره تحت کنترل کمونیستها نبوده و خود این سه سازمانها هم ادعای آن را نخواهند داشت. این اظهارات به منظور معرفی جنبش کمونیستی کشور ما به مثابه جنبش نا صادق و جهت سلب اعتماد توده ها از آن صورت می گیرد.

در این مناطق عهدتای نیرو های اسلامی و بیشتر توده های مردم با اعتقادات مذهبی خویش حاکمیت دارند و کمونیستهای راستین فقط در کنار آنها به مثابه دانه های کوچکی خود را در کشتزار بگیر مردم نشان می کنند تا درخت استقلال میهن شر بدهد. چپ های وطن خواه این ادعا های کاذب را نداشته و همواره مدیون نیروی لایزال توده های مردم در این نبرد بزرگ اند. بر همه روشن است که امروز رژیم مزدور شوروی در افغانستان تمام جنایات خود را در زیر پرده " کمونیسم " انجام می دهد از این رو برای کمونیستهای واقعی کشور ما دشواری های فراوانی ایجاد گردیده است. اما چپ های راستین با همه این سختی ها در تلاش اند تا نمونه کمونیستهای صادق و میهن پرست را ارائه دهند و اعتماد شایسته توده ها را جلب نمایند.

جنبش کمونیستی کشور ما به سوی وحدت سیاسی با نیروهای اسلام مبارز برای کسب استقلال میهن از روس ها به پیش می رود.

اظهارات این عنصر بیگانه از عرصه اصلی نبرد تلاشی است جهت دشوار کردن کار چپ های راستین و تشدید اختلافات موجود. امری که روس ها با خشونتی انتظار آنرا دارند زیرا متهاجمین شوروی از وحدت مستحکم اسلام مبارز و چپ های واقعی سخت هراس دارند. مسلمانان مبارز میدانند که چپ های وطن دوست به نقش مهم اسلام مبارز در جنبش کشور ما آگاهند و با تلاش خستگی ناپذیر بروی وحدت این دو نیرو و کلیه استقلال طلبان پا فشاری می کنند.

مسلمانان مبارز به یقین این افراد بی مسئولیت را به مثابه نمونه ای از چپ های استقلال خواه کشور در نظر نمی گیرند و با فشاری بروی وحدت، این توطئه های تفرقه افکنانه را در هم می شکنند. ده ها شهید گروه انقلابی و دیگر مارکسیست - لنینیستهای واقعی در کنار نیروهای اسلام مبارز توده های مردم نمونه ای از چپ های راستین کشور ما و بر خورد صحیح آنها به جنگ مقاومت کنونی میهن می باشد. اظهارات این عنصر درست به

شود، دولت ایران باید کماکان بر روی پای خود بایستد و با حرکت از شعار "نه شرقی نه غربی" از تجارب تلخ بعضی از کشورهای عربی بعنوان یک آموزگار منفی درس بگیرد. تجارب گذشته این کشورها که بعزت تمایل و یا وابستگی آنها به شوروی و یا به آمریکا عمل کرده‌اند، نشان داده است که قادر به حفظ استقلال خود نبوده و با دامن زدن به تفرقه و نفاق در میان خلقها و ملل عرب زمینه را برای نفوذ دو ابر قدرت آمریکا و روسیه و توطئه های آنها بر علیه این خلقها بسویزه خلق فلسطین مساعد کرده‌اند. دولت ایران می‌تواند با شرکت فعال خود در این کنفرانس با ایجاد یک وحدت وسیع در میان کشورهای اسلامی با مواضع استقلال طلبانه خود سد بزرگی بر علیه تجاوز روسیه و توطئه‌های آمریکا در منطقه ایجاد کند.

اندازد. ولی اگر علت عدم شرکت این دولت‌ها بیشتر بواسطه روابط آنها با

وابستگی به هیچکدام از این ابر قدرتها نداریم و مسئله افغانستان برای امنیت ایران اهمیت حیاتی دارد ما نمی‌توانیم تابعی از متغیر هیچکدام از سیاستهای موجود در منطقه باشیم.

قطب زاده همچنین در مورد تصمیم ایران برای شرکت در کنفرانس گفت: "ما مستقلا" تصمیم می‌گیریم و مستقلا" عمل می‌کنیم و تسلیم تبلیغات عناصر وابسته به دو ابر قدرت که در ایران هم هستند نمی‌شویم.

با توجه به اینکه اشغال نظامی روسیه در افغانستان تهدید مستقیمی بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران بشمار می‌آید و از طرف دیگر توده های وسیع مردم و رهبری انقلاب یکپارچه علیه روسیو پهلستیبانی از مردم مبارز افغانستان برخاسته‌اند، شرکت فعال و مستقیم ایران در کنفرانس اسلامی پاکستان امریست حیاتی. همچنانکه در گفتگوی وزیر امور خارجه آمده است ایران نمی‌تواند در مقابل تبلیغات عناصر وابسته به دو ابر قدرت تسلیم

شوروی آشکار و صریح است. ما ماده ۶ قرارداد ۱۹۲۱ را لغو شده و بی اعتبار می‌دانیم، و اگر روسیه امیرالیستی جرات کند که به میهن ما تجاوز نماید، تمام ملت از زن و مرد، پیر و جوان برمیخیزند، اسلحه بدست میگیرند و تجاوز گران روسی را در دریائی از جنگ توده‌های مردم مسلح غرق خواهند کرد.

ما از تهدیدات شما نمی‌ترسیم و خط انقلاب اسلامی، خط "نه شرقی، نه غربی"، جمهوری اسلامی" را ادامه میدهم، از خلقهای باخواسته عالم که علیه دو ابر قدرت و برای استقلال می‌جنگند، از خلق برادر و ستمدیده و قهرمان افغانستان پشتیبانی میکنیم. تجاوز شوروی به افغانستان و سخنان اخیر این مقام روسی درباره‌ی قرارداد ۱۹۲۱ بخوبی نشان میدهد که سوسیال - امیرالیست های روسیه هدفهای امیرالیستی را در منطقه و جهان دنبال میکنند و ما باید هشیار باشیم، از لحاظ خط سیاسی با استقلال و خط نه شرقی نه غربی پافشاری کنیم و مداراجویی نسبت به روسیه را طرد کنیم، حال چه مداراجویی به شکل تسلیم و سازش و ترسیدن باشد، چه مداراجویی انقلابی‌نما به شکل مبارزه با غرب و مآشات با شرق.

توده‌های باخواسته و آگاه خلق و خط سیاسی مبارزه علیه هر دو ابر قدرت مهمترین ضامن حفظ استقلال میهن مان هستند.

درونی و تفرقه. توجیهات طرفین برای محق جلوه دادن خودهم کسی را قانع نمی‌کند. تنها "فایده" این وضع، ایجاد زمینه مساعد برای فعالیتهای تخریبی عوامل دوا بر قدرت آمریکا و روسیه است تا از آب گل آلود ما می

سبک کار باند کیانوری

علف هرزه‌های که در مرداب میروید

آخرین تودهنی مردم به شایعات و برچسب های ضد انقلابی با ندکیا نوری در حزب توده، نامه انجمن های اسلامی هنرستان صنعتی تهران بود که آنرا در همین شماره میخوانید. اگر نگا هی به آن روس نامه "مردم" (ارگان این باند) بیان دارید می بینید که از جندی پیش زیر ستونی با عنوان "یا راست است؟" و یا طوسی مقالات کوچک و بزرگ دیگری، دارودسته کیانوری یک کا زار وسیع برچسب زدن و شایعه پراکنی را براه انداخته است.

این شیوه کا ر پلیسی با ندکیا نوری خود افشا گر ماهیت آنهاست، چه اگر آنها یک حزب سیاسی مردمی بودند و نظراتی داشتند، اگر بخاطر مردم کا رمی کردند چرا مجبور بودند دست به شایعه پراکنی و برچسب زدن بزنند؟ اگر آنها حرفی دارند می‌خواهند افشاگری کنند چرا رک و صریح موضع نمیگیرند!

و عوض شایعه سازی و ایجاد عدم اعتماد دبه همه کس و همه چیز، حرفشان را رک و راست و بسا قبول مسئولیت در قبال تهمت ها پیشان نمی‌گویند؟ واقعیت آنستکه هدف با ندکیا نوری افشاء دشمنان مردم و دفاع از انقلاب نیست، هدف آنها چیز دیگری است. هدفشان ایجاد تفرقه میان مردم، ایجاد بی اعتمادی،

محیط تشویش، حمله به نیروهای ملی ورشدیست و بدبینی نسبت به اوضاع و جمهوری اسلامی در میان مردم است.

شیوه کا ر برچسب زدن و شایعه پراکنی ضد انقلابی تنها شیوه ای است که دارودسته کیانوری میتوانند بکا ر برد و اینهم یک علت اساسی دارد. علتش آنستکه خط مشی سیاسی و نظرات این باند مزدور روس، عمیقاً ضد ملی و ضد مردمی است، و نمیتوانند آنها را رک و راست و صریح با توده ها در میان بگذارند، چه در آن صورت در مقابل مردم ما که عمیقاً استقلال طلبند بیشتر افشا خوا هند شد.

چطور با ندکیا نوری میتواند رک و راست ب مردم ما بگوید که ایران با ید زیر سلطه روسیه برود و چیزی شبیه افغانستان شود؟ چطور میتوانند ب مردم بگوید که با ید همه نیروهای استقلال طلب را از میان برد تا راه برای ارتش روسیه هموار شود؟

خط مشی سیاسی با ندکیا نوری بعزت ما هیستند و وابسته ای آن تنها میتوانند در یک محیط شک و سوء ظن، بنی اعتمادی و برچسب زدن و... رشد کنند در محیط وحدت مردم، وحدت نیروهای استقلال طلب، مرز بندی روشن و درست بسا دشمن وغیره.

با ندکیا نوری علف هرزه ای است که تنها در مرداب

پنهان نمی کند. ۲- قیام "بالا حصار" را بر خلاف تلاش تبلیغاتی روس ها و مزدوران رنگارنگش کودتا نبوده و در انطباق کامل با جنبش مسلحانه توده های مردم ما بود. "بالا حصار" بخشی از این قیام سراسر بود و درست در این روز خون کمونیستهای وطن خواه و مسلمانان مبارز در یک جویبار جریان یافت.

شصت در صد از ۱۲ هزار زندانی سیاسی نیز کمونیستها نبوده بلکه کمونیستها هم به مژبه بخش کوچک در کنار این مردم دلاور شهید شدند و چپ های راستین کشور ما هرگز از خون این مبارزین که با اعتقادات معین خویش شهید شده‌اند، تجارت سیاسی نخواهند کرد.

اخبار افغانستان

بر قراری یک پل هوائی تازه بین افغانستان و شوروی

اسلام آباد - پاکستان - آسوشیتد پرس - اتحاد شوروی با برقرار کردن یک پل هوائی تازه سرگرم اعزام نیروهای رزمی خود به افغانستان است و این امر در حالی صورت می گیرد که فرار از خدمت روز افزونی در ارتش افغانستان به چشم می‌خورد.

واحد های نظامی شوروی از پایگاههای این کشور در اروپای شرقی به سوی افغانستان سرازیر شده‌اند و ظاهراً هدف از این اقدام تقویت نیروی نظامی ۸۰۰۰۰ نفری شوروی در افغانستان است.

میروید و در محیط سالم از بین خوا هدرفت.

از شیوه کا ر با ندکیا نوری با ید بعنوان نمونه و معلم منفی آموخت. آموخت که نیروهای استقلال طلب با ید با برچسب زنی و تهمت، ایجاد بی اعتمادی و شایعه پراکنی مبارزه کنند و خود از این شیوه ها بسرای مبارزه سیاسی استفاده نمایند. آموخت که ایجاد محیط سالم انقلابی تنها با ایستادن در مقابل این سبک کا ر با ندکیا نوری و مبارزه با آن مکان پذیراست و از اینرو وظیفه کلیه نیروهای استقلال طلب افشای این سبک کا ر منحنط مزدوران بیگانه و ماهیت آنهاست.

اظهارات این عنصر درست به دلیل دوریش از عرصه خدین مبارزه و بیگانگی از کار کمونیستهای وطن دوست کشور ماست. چپ های واقعی صبور، بی مدعا، شاگرد، یار و یاور توده های مردم در نبرد کنونی اند. امیدواریم دست های پرتوان نیروهای اسلام مبارز، چپ های راستین و تمام استقلال طلبان همراه با قاطبه ملت در جبهه بزرگ وحدت ملی، بیرق استقلال و آزادی افغانستان را برافرازند، امریکه تحقق آن محتوم و مشروط به دریائی از خون کمونیستها و سایر استقلال طلبان است.

عده از طرفداران گروه انقلابی خلقهای افغانستان در اصفهان.

فقط با جهاد افغانستان را آزاد میکنیم

یکی از مسئولان سازمان مبارزان اسلامی افغانستان در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد: نیروهای مسلمان مبارز افغانستان از انجام مذاکره صلح با حکومت ببرک کارمل که توسط شوروی حمایت میشود امتناع خواهند کرد. وی یادآور شد ما موظفیم از طریق جهاد و نه از راه مذاکرات صلح نیروهای شوروی را از افغانستان بیرون برانیم. وی اضافه کرد: مذاکرات در باره جبهه واحد از طرف هفت سازمان مختلف افغانستان در حال جریان است.

تحریم بارگیری کشتیهای روسی

در تاریخ ۲۸ دی ماه کارگران بنا در امریکا کشتی های شوروی را با یکوت کرده و سه میلیون تن غله فروخته شده به شوروی را بارگیری نکردند. آنها علیرغم درخواست کارتر مینی بر قطع با یکوت کشتی های شوروی و گفتن این مطلب به رئیس سندیکای کارگران بندر، به این تحریم بارگیری ادامه داده‌اند.

سیل ابزار جنگی شوروی به افغانستان

شوروی هم چنان به اشغال نظامی افغانستان و فرستادن ابزار جنگی به این کشور ادامه می‌دهد. سرازیر شدن این ابزار جنگی به قدری زیاد است که بندرهای رودخانه‌ای در افغانستان بند آمده‌اند.





کامبوج:

۱۰۰ سال مبارزه برای استقلال (۲)

از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵

در سال ۱۹۷۰ مبارزات آزادیبخش در هند و چین بیسابقه‌ای پیدا کرد و کامبوج که در قلب هندوچین قرار دارد، برای امپریالیسم آمریکا اهمیت زیادی جهت پایگاه کردن آن برای سرکوب مبارزات آزادیبخش خلقهای لائوس و ویتنام داشت. بهمین جهت آمریکا که به هیچ طریقی نتوانسته بود با بسزیر سلطه کشیدن کامبوج و دولت سیهانوک به مقاصد تولید و تجاوزگرانه خود برسد، از طرفی عدم پشتیبانی سوسیال امپریالیسم روس که مواضع جنبش در کامبوج هیچ گونه قربانی با سیاست ضد خلقی و امپریالیستی آن نداشت. خود باعث تشویق آمریکا شد تا بتواند با کودتای فاشیستی سال ۱۹۷۰ توسط دار و دسته لئون تول و سیریک ماتاک، دولت سیهانوک را سرنگون و لئون تول خائن را بکار بگمارد.

پس از این کودتای فاشیستی ۱۱۰/۰۰۰ سرباز آمریکائی ویتنامی وارد خاک کامبوج شده و بقتل و عام وحشیانه مبارزین و مردم پرداختند. شوروی امپریالیستی با همه ادعاهای خود مبنی بر "سوسیالیست بودن" و "متحد طبیعی خلقها" نه تنها رژیم لئون تول را فوراً برسمیت شناخت بلکه علاوه بر روابط سیاسی و دیپلماتیک، روابط اقتصادی و نظامی خود را نیز ادامه داد.

سربازان ارتش ارتجاعی لئون تول در مدارس نظامی را شوروی تعلیم میدیدند و دانشجویان پنوم پن از بورس های شوروی برای ادامه تحصیل استفاده میکردند علاوه بر اینها شوروی سعی میکرد در میان انقلابیون خمر سرخ تعرفه انداخته و بخشهایی از آنرا به سازش پار رژیم لئون تول دعوت مینمود. و تا

بر سرانجام امریکاییها در ۱۹۷۵ میلادی در کامبوج تسلیم شدند و رژیم لئون تول را سرنگون کردند. در این سالها که کامبوج در دست سیریک ماتاک بود، ارتش ارتجاعی لئون تول در کامبوج فعالیت میکرد. تا اینکه در سال ۱۹۷۵ میلادی، ارتش ارتجاعی لئون تول در کامبوج تسلیم شد و رژیم لئون تول سرنگون گردید.

ایندیرو گاندی معلم منفی جهان سوم

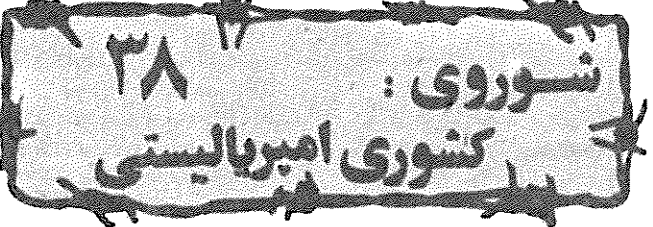
خانم ایندیرو گاندی، پس از یک دوری دو ساله از مقام نخست وزیری، بار دیگر زمام امور را در هند بدست گرفت و به نخست وزیری این کشور انتخاب شد. او کیست و کارنامه فعالیت سیاسی اش در رابطه با استقلال و آزادی هندوستان و ملت رنج دیده این سرزمین چگونه است؟

در دوران حکومت ۱۵ ساله خانم ایندیرو گاندی هندوستان با هزارویک بند اقتصاد بی‌شعور و وابسته شد. یکی از این رنجی‌های وابستگی قرض‌های متعددی است که شوروی به هندوستان داده است. این وامها به مصرف سرمایه گذاری در قسمت تجهیزات سنگین که عمدتاً بخشهای سرمایه‌داری دولتی است، میرسد. در سال ۱۹۷۳، شوروی بالاترین رقم از اقتصاد هند یعنی ۸۰٪ ماشین آلات، ۶۰٪ تجهیزات الکتریکی، ۳۵٪ نفت، ۳۰٪ ذوب آهن و ۲۰٪ انرژی الکتریکی را در دست داشت. بعلاوه این وابستگی، در موارد بسیاری شوروی هند را وادار مینمودند که خود را بصورت کالاهائی که خود تعیین میکرد پرداخت نماید. از قبیل مواد خام، چای، پنبه و غیره و سپس همین کالاها را مجدداً به کشورهای اروپائی فروخته و از طریق تجارت غارتگرانه اش سودهای کلانی به جیب میزد.

در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) یعنی در زمان زمامداری خانم گاندی یک قرارداد باصطلاح دوستی و همکاری میان هند و شوروی منعقد گشت که از یکطرف وابستگی هند به روسیه را تشدید مینمود و از طرف دیگر پشتوانه نظامی و حمایت سیاسی سوسیال-امپریالیسم شوروی را برای هدفهای توسعه طلبانه و تجاوز کارانه هند در منطقه بهمراه داشت. در همین سال بود که بتنگلادش با حمایت نظامی شوروی و دخالت مستقیم هند از پاکستان تجزیه شد.

در حال حاضر ارتش هندوستان بطور عمده (۸۰ درصد) به تسلیحات و مشاوران نظامی روسی و کشورهای دیگر وابسته است. در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) یعنی در زمان زمامداری خانم گاندی یک قرارداد باصطلاح دوستی و همکاری میان هند و شوروی منعقد گشت که از یکطرف وابستگی هند به روسیه را تشدید مینمود و از طرف دیگر پشتوانه نظامی و حمایت سیاسی سوسیال-امپریالیسم شوروی را برای هدفهای توسعه طلبانه و تجاوز کارانه هند در منطقه بهمراه داشت. در همین سال بود که بتنگلادش با حمایت نظامی شوروی و دخالت مستقیم هند از پاکستان تجزیه شد.

در حال حاضر ارتش هندوستان بطور عمده (۸۰ درصد) به تسلیحات و مشاوران نظامی روسی و کشورهای دیگر وابسته است. در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) یعنی در زمان زمامداری خانم گاندی یک قرارداد باصطلاح دوستی و همکاری میان هند و شوروی منعقد گشت که از یکطرف وابستگی هند به روسیه را تشدید مینمود و از طرف دیگر پشتوانه نظامی و حمایت سیاسی سوسیال-امپریالیسم شوروی را برای هدفهای توسعه طلبانه و تجاوز کارانه هند در منطقه بهمراه داشت. در همین سال بود که بتنگلادش با حمایت نظامی شوروی و دخالت مستقیم هند از پاکستان تجزیه شد.



کشاورزی

سوسیالیسم در کشاورزی چه معنی دارد؟ خیلی مختصر و مفید اگر خواهیم این سؤال را جواب دهیم باید بگوئیم که سوسیالیسم در کشاورزی یعنی متحد کردن دهقانان با یکدیگر بطوریکه مزرعه‌های جدا از هم مبدل به مزارع بسیار بزرگ بشوند که متعلق به همه آنها باشد و کسی دیگری را استثمار نکند فایده اینکار چیست؟ فایده اش اینست که وقتی همه دهقانها با هم کار کردند و یک زمین خیلی بزرگ داشتند آنوقت پول آنرا هم خواهند داشت که تراکتور و وسائل دیگر بخرند که هم کارشان را آسانتر انجام دهد و هم اینکه برایشان درآمد بیشتری داشته باشد. باین طریق دهقانانی که مجبورند هر کدام به تنهایی هر روز ساعت‌های طولانی روی زمین کار کنند و عرق بریزند و آخرش هم فقط یک نان خالی داشته باشند، موفق میشوند بدون اینکه نصف زحمت قبل را بکنند وضعیتشان خیلی خیلی بهتر شود.

اما اگر اینطور است پس چرا دهقانان خودشان در همه جا اینکار را نمی‌کنند؟ دلیلش یکی این است که دهقانان در بسیاری از کشورها به منفعت اینکار پی نبرده‌اند و دوم و مهمتر از آن اینکه دهقانان در اکثر کشورهای جهان هنوز دارای قدرتی در دولت نیستند و کسی به حرفشان گوش نمیکند و بعلاوه، قشر مرفه دهقانان زیاد میلی به انجام این کار ندارد. برای اینکه دهقانان بتوانند با هم متحد شوند و بطور اشتراکی کار بکنند باید با کارگران متحد شوند و قدرت دولتی را از دست سرمایه‌داران شهر و ده بیرون بیاورند. آنوقت حکومتشان کارگری-دهقانی میشود و کشورشان هم سوسیالیستی میشود. اولین کشوری که در آن سوسیالیسم ساخته شد کشور شوروی بود.

اما عمر لنین کفایت اینرا نداد که دهقانان روسیه را برای اشتراکی کردن کشاورزی رهبری کند. بعد از مرگ لنین، شاگرد وفادار او استالین انجام اینکار را بگردن گرفت. در آنوقت هنوز وضع کشاورزی شوروی بسیار عقب مانده بود. استالین گفت که دلیل عقب ماندگی کشاورزی شوروی، پراکندگی موجود در کار کشاورزی است که اجازه بکار بردن تکنیک‌های جدید و ابزار مکانیکی بزرگ را به کشاورزان نمیدهد. استالین گفت: "راه نجات در انتقال اقتصادیات خرده و پراکنده روستائی با اقتصادیات بزرگ و متحد بر پایه زراعت اجتماعی و در انتقال به زراعت دسته جمعی بر اساس تکنیک نوین درجه اول می‌باشد. راه نجات در آنست که اقتصادیات خرده و خرده‌تر روستائی را آهسته آهسته، ولی بطور مداوم، نه از طریق فشار بلکه از طریق ارشاد و اقناع، بر پایه زراعت اجتماعی دسته جمعی و اشتراکی متحد ساخت" (تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی، چاپ فارسی، صفحه ۳۴۵).

بر پایه همین نظرات لنین و استالین، دولت شوروی که در آن زمان دولت کارگری-دهقانی بود و میخواست در شوروی سوسیالیسم را بسازد از سال ۱۹۲۷ (۱۳۰۶) مشغول اشتراکی کردن کشاورزی شد. دولت شوروی دهقانان را تشویق کرد که زمینهای روستاها را برویهم بگذارند و مشترکاً در آنها کار بکنند. دولت شوروی تا حد ممکن از نظر مالی و بذور و کود و ماشین آلات کشت و ریزی هم با آنها کمک کرد. دهقانان نیز که جدا جدا کار میکردند با هم تعاونیها تشکیل دادند و بتدریج با کمک دولت سوسیالیستی سرمایه‌داران ده را هم که با آنها بسروسی "کولاد" میگفتند از دهات بیرون کردند و مزارع بزرگ اشتراکی "کلخوزها" را بوجود آوردند. در بعضی جاها هم که زمیندارهای بزرگ طرفداری رژیم تزاری بودند و دهقانان زمین چندانی نداشتند دولت کارگری زمینها را خودش گرفت و مزارع دولتی یا "سودخوزها" را در پیش بگیرد.

۳۰۰ سرباز ویتنامی در خاک تایلند دستگیر شدند

یک مقام نظامی تایلند گفت که نیروهای ویتنامی برای کشف مخفی گاههای "خمرهای سرخ" (نیروهای استقلال طلب چهار سرباز مسلح ویتنامی در حمله به ناحیه‌ای در داخل خاک تایلند توسط نیروهای نظامی این کشور دستگیر شدند).

با رژیم لئون نول دعوت می نمود . و تا آخرین روزهای بر سر کار بودن ایسن حکومت ارتجاعی ، در کنارش بود . در حالیکه چندروز بعد از کودتای لئون نول حدود ۲۰ کشور جهان سفارتخانه های خود را در پنوم پن تعطیل و دولتست جبهه متحد خلق سیهانوک را برسمیت می شناختند ، سفارتخانه های شوروی در پنوم پن باز بوده و بکار خود در جهت تحکیم باصطلاح "دولت قانونی" لئون نون ادامه میداد .

حتی پس از اینکه میهن پرستان و انقلابیون ۱۷ ایالت از ۲۰ ایالت کامبوج را آزاد ساخته بودند ، شوروی باز هم از برسمیت شناختن حکومت ملی کامبوج سر باز نیرو و به تقویت دار و دسته ارتجاعی لئون نول ادامه میداد تا آنجا که در سال ۱۹۷۲ یک

برداشت و گفت : " آنها هرگز از کامیابی های نظامی ها سخن نمیگویند . مطبوعاتشان قطعنامه های بین المللی را که حاکی از برسمیت شناختن ماسمت منتشر نمیکنند و بعلاوه روسها در صحبت های خصوصی شان ، مانند و یا حالی میکنند که کسانیکه در کشور ها می جنگند ویتنامی هستند و نه کامبوجی "

پس از کودتا در ۲۳ مارس ۱۹۷۰ ، سیهانوک جبهه متحد کامبوج و ارتش آزادیبخش ملی را تشکیل داد و خلق کامبوج را دعوت به اتحاد و مبارزه علیه کودتاچیان کرد . کلیه نیروهای ملی ، میهن پرست و انقلابی چون خیوسامپان هیونون و هیونیم ، حزب خلق کامبوج به این دعوت سیهانوک

بقیه در صفحه ۴

"خمرهای سرخ" (نیروهای استقلال طلب کامبوج) در مجاورت مرز تایلند با مشکلات فراوانی روبرو شده اند . وی گفت نبرد بین نیروهای ویتنامی و خمرهای سرخ عمدتاً در محدوده مرزی بین "پوی پت" و "پای سین" انجام میگردد .

مجاهدین افغانی از ایران انتظار کمک دارند

سرخسنگوی جمعیت اسلامی افغانستان اظهار داشت که تانکهای روسی در نزدیکی گذرگاههای مرزی بین ایران و افغانستان مستقر شده اند تا از پناهنده شدن مبارزین افغانی به ایران جلوگیری کنند . طبق اخبار رسیده مجاهدان افغانی

بقیه در صفحه ۴

نداشتند دولت کارگری زمینها را خودش کرفت و مزارع دولتی یا سودخوارها را ایجاد کرد . در این مزارع هم دهقانان مثل کلخوزها با هم کار میکردند ولی صاحب مزرعه دولت بود و نه زارعین . اشتراکی کردن کشاورزی علاوه بر بهتر کردن وضع زندگی دهقانان یک منفعت بزرگ دیگر هم داشت و آن کمک به از بین بردن تدریجی طبقات در روستا بود . معنی اشتراکی نمودن کشاورزی آن بود که تمام زمینهای یک روستا میبایستی مال کلخوز شود و از آنجائی که قسمت مهمی از این اراضی در دست کولاکها بود دهقانان کولاکها را از آنجا بیرون میکردند ، دامها و ماشینهای آنها را میگرفتند و از دولت شوروی برای جلوگیری از خرابکاری کولاکها کمک میخواستند . با این طریق نتیجه اشتراکی نمودن سر تا سری کشاورزی از بین رفتن طبقه کولاکها بود . وقتی زمیندار بزرگی در ده نبود و همه روی زمینهای اشتراکی کار میکردند دیگر نه اربابی بود و نه زعیبتی ، نه سرمایه دار کشاورزی بود و نه کارگر کشاورزی (خوش نشین) بنابراین دیگر کسی نمی توانست از زوربازوی کس دیگری بهره برداری کند و باصطلاح استثمار انسان از انسان و اختلاف سطح طبقات موجود از بین میرفت .

بقیه در صفحه ۴

رویدادهای سیاسی

آیت الله العظمی طباطبائی قمی

در هر ناحیه ستاد کمک به پناهندگان افغانی تشکیل دهید!

صدای خود را علیه اشغالگران روسی و علیه آمریکا بلند کنید

آیت الله العظمی طباطبائی قمی با انتشار اعلامیه ای در تاریخ اول بهمن ماه ، مردم ایران را به پشتیبانی از پناهندگان افغانی دعوت کرده و ضمن افشاگری از جنایات اشغالگران روسی در افغانستان اعلام نموده است که : " مسلمانان باید در هر جا که هستند صدای خود را علیه این دشمن خونخوار و همچنین علیه ابر قدرت زقیبش آمریکا بلند کنند و دولتهای خود و سایر دول ملل جهان را علیه آنان بسیج نمایند " . راههای گوناگون از طرق سیاسی و جز آن این حمله را محکوم و دشمن را به عقب نشینی وادار کنند و پناهندگان افغانی را در هر نقطه ای از جهان که هستند ، به حکم اخوت اسلامی و عواطف انسانی پناه دهند . آیت الله طباطبائی قمی مردم را به جمع آوری کمک برای پناهندگان افغانی دعوت کرده و در خواست نموده اند که : " باید در هر ناحیه ستاد امدادی تشکیل شود ، همه کمکهای نقدی و جنسی مردم خیر اندیش و نیکو کار را گرد بیاورند و با برنامه منظمی میان برادران و خواهران افغانی تقسیم کنند "

مجاهدین راه حق

المپیک مسکو را تحریم کردند

تهران خبرگزاری پارس (۲ بهمن) - سازمان مجاهدین راه حق طی نامه ای سرگشاده به شورای انقلاب خواستار انصراف شرکت ورزشکاران و قهرمانان ایران در بازیهای المپیک مسکو شده است . در قسمتی از این نامه صم اشاره به حضور نظامی شوروی در افغانستان آمده است : " برای ما ملت مسلمان ایران بسیار روشن است که شوروی با تجاوز به خاک آن کشور و گشتار برادران و خواهران افغانی چه تابسانمانی بوجود آورده است که حال هم شاهد و ناظر اعمال ننگینشان میباشیم . از شورای محترم انقلاب اسلامی ایران تقاضا میمائیم که پاسخ این کشتارها و سی عدالتیها را با انصراف ورزشکاران و قهرمانان در المپیک مسکو ، بنمائید و بودجه در نظر گرفته شده را خرج مستضعفین و دزدانان انقلاب خرج نمائید .

بقیه در صفحه ۴

احتکار و سودجوئی عامل مهم گرانی

در طول یکسال پس از پیروزی انقلاب مردم ما برای خرید بسیاری از کالاهای مورد نیاز خود در صفهای طویل ایستاده و قیمت های گرانی پرداخته اند . یکروز کاملاً بی مقدمه پسودرهای لباسشویی کمیاب و نایاب می شود و روز دیگر در آستانه فصل سرما که مردم برای مقابله با زمستان نیاز به قیرگونی کردن سقفهای منازل خود دارند ، قیر گونی کمیاب میشود و بازار سیاه پیدا می کند . در حالیکه در فروشگاه گوشت ملاصدرا (شمال شهر) گوشت خوب و نسبتاً ارزان موجود است در اکثر نقاط کشور زحمتکشان برای خرید گوشت مجبورند در صفهای طویل بایستند .

درست است که براه نیفتادن چرخهای اقتصاد کشور ، کمبود مواد اولیه ، افزایش قیمت های تمام شده کالاها ، اغتشاش در سیستم بانکی و معاملات خارجی از عوامل مهم گرانی و کمبود هستند ولی در این میان احتکار و کرانفروشی شاید بیش از دیگر عوامل خود نمایی میکند . مردم ما میتوانند گرانی اجتناب ناپذیر را تسامحتی تحمل کنند ولی کرانفروشی ، یعنی گران کردن مصنوعی و اجتناب پذیر ، که ناشی از احتکار و سودجویی است به هیچ وجه قابل تحمل برای مردم نیست . برای جلوگیری از احتکار و گران فروشی و متناسب کردن عرضه و تقاضا ،

رویدادهای اقتصادی

به صنعتگران بومی توجه کنید

ناگفته نماند بعلت عدم توجه دولت از صنعتگران بومی اینها اغلب گرفتار استثمارگران داخلی هستند ، بطوریکه این صنعتگران بومی غربال کمیابین میسازد به قیمت ۱۵۰۰ تا ۳ هزار تومان و به نماینده فروش کمیابین در گرگان می فروشد . نماینده مذکور غربال های ساخته شده بوسیله کارگر ایرانی را بعنوان جنس خارجی به قیمت هفت تا دوازده هزار تومان بفروش میرساند . این استثمارگران داخلی سود ناشی از زحمات کارگران زحمتکش را به جیب خود می ریزند .

دولت نسبت به استعداد های این نوع کارگران بی تفاوت است . با حمایت دولت میتوان از کارگران فنی دلجوئی و آنها را بکارهای عالی واداشت و با کمترین کمکها و امکانات میتوان در هنرستان های صنعتی برای رشد جوانان علاقمندان تجربه و تخصص این کارگران استفاده نمود . همانطوریکه طبیل حمایت از صنایع داخلی را ابر پا نمودید و نمایشگاه بازی را در مرکز انجام میدید ، بیایید ب فکر شهرستانها هم باشید . با توجه به این سرمایه های گرانقدر - استادهای لایق - دست از خیمه شب بازی با تشکیل نمایشگاه صنعتی و آراستن آن در مرکز بردارید ، و برای خود کفا شدن صنعتی امکانات لازم را فراهم نمایید .

فیل محمود ۲۵ دی

پیشرفت کشاورزی بدون توسعه صنایع کشاورزی مشکلاتی بیبار خواهد آورد و ما را محتاج خارج خواهد نمود . بهتر است برای رهائی و از بین بردن وابستگی ها از صنایع بومی استفاده گردد و صنعتگران بومی و سازندگان لوازم یدکی را تشویق و حمایت نمود . بجای اینکه در وزارت صنایع و معادن و وزارت بازرگانی کارها را در اطاق در بسته انجام دهند ، بیایند ب فکر صنعتگران بومی باشند . در وزارت خانه ها فقط پشت میز نشسته اند و حقوق میگیرند .

باید برای رشد صنایع کشور با تحقیق و فراهم نمودن امکانات لازم به خصوص در شهرستانها اقداماتی بعمل آورند . اطاق صنایع و معادن کشور بجای تشویق و حمایت از صنعتگران بومی و سازندگان لوازم یدکی ، پروانه واردات صادر میکند که منجر به ویرانی مملکت و صدور ارز بی حساب میگردد . یکی از صنعتگران شهرستانی در قزاق محله بندر ترکمن گرگان بنام آقای گل هندوست را مشاهده نمودم در یک کارگاه کوچک لوازم یدکی کمیاب و تراکتور و موتور پمپ آب می سازد ، با عیث شگفتی است ، وسایلی که این شخص لوازم یدکی را با آن میسازد ساخته خودش میباشد . تولید لوازم یدکی این استاد شهرستانی مرغوبتر از اصل آن است که از خارج وارد میشود .